

اکثریت

دوشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۶۹ برابر
۱۱ مارس ۱۹۹۱ سال مفتاح شماره

۴۰

وضعیت منطقه

پس از جنگ

در هفته گذشته جرج بوش در مقام فاتح جنگ خلیج فارس در کنفرانس نمایندگان آمریکا حضور یافت و در طی یک سخنرانی تبلیغاتی پایان دوره سرفاکندگی ایالات متحده پس از شکست فضاحت بار در ویتنام و آغاز دوره جدیدی در خود آگاهی آمریکائیان را اعلام کرد. به هم جرج بوش آمریکائیان اکنون باتکیه بر تکنولوژی و سلاح های مدرن خود می تواند با اطمینان نقش دایه زعامت بر جهان را داشته باشد. وی در سخنرانی خود دم از صلح در خاور میانه زد و این که اکنون هنگام آن رسیده است که اعراب و اسرائیل در حل اختلافات خود دیکو شدند و قاتل قضیه فلسطین را بکنند.

جان میجر نخست وزیر انگلیس نیز در کوبیت دوره کنونی را بهترین هنگام برای حل مسائل خاور میانه اعلام کرد. بیکر وزیر خارجه آمریکائیز راهی منطقه شد تا اوضاع را از نزدیک بررسی کند، چگونگی حضور دایمی نیروهای آمریکایی در منطقه را مورد مطالعه قرار دهد و در طی دیدارهای دیپلماتیک خود شرایط را برای استقرار یک "صلح آمریکایی" (Paxamericana) در منطقه بسنجد. بیکر وضعیت کنونی را بهترین هنگام برای حل مساله خاور میانه می داند. چرا "بهترین هنگام؟؟"

چرا از نظر آمریکا و متحدین غربی واشنگتن لحظه کنونی "بهترین هنگام" برای حل و فصل مسائل خاور میانه است؟ موضوع روشن است: اعراب بیش از هر هنگام دیگری دستخوش تفرقه اند، "جبهه رد" فاقد موجودیت است، عراق در هم شکسته شده، سوریه به سوی اتحاد با آمریکا گرویده، مصر اکنون روی آن را پیدا کرده که به سازش خود با اسرائیل مباحثات کند، دیگر کشورهای عربی شمال آفریقا در محاسبات منطقه نقشی ایفا نمی کنند، سرکردگی عملی در جهان عرب به دوش سعودی ها افتاده و بالاخره این که سازمان آزادی بخش فلسطین منزوی و سرخورده شده و انتفاضه از نفس افتاده است. از سوی دیگر اسرائیل ظاهرا به دلیل بهره مندی از کمک نظامی آمریکا برای مقابله با موشک های عراق اکنون در مقایسه با دوره پیشین حرف شنوی بیشتری نسبت به واشنگتن دارد. سرکشی اسرائیل باعث شده که پس از روی کار آمدن بوش طرح بیکر برای نشان دادن نمایندگانی مصر، اسرائیل، اردن و نمایندگان غیر مستقیم سازمان آزادی بخش فلسطین گرد یک میز در قاهره و یا واشنگتن با شکست مواجه شود. دولت اسرائیل اعلام کرد که مطلقا با فرمول "زمین در ازای صلح" مخالف است، اما حاضر است با اعراب مصالحه کند و در عوض حداقل به فلسطینیان مناطق اشغالی یک خود مختاری محدود اعطا نماید.

چشم اندازهای یک صلح آمریکایی

اسرائیل همچنان با فرمول "زمین در ازای صلح" مخالف است. شامیر پس از دم زدن تازه بوش از صلح در خاور میانه اعلام کرد که در سخنرانی رئیس جمهور آمریکا هیچ نکته تازه ای نیافته است. ظاهرا اسرائیل بر سر موضع همیشگی خود ایستاده و نمی خواهد تابع یک طرح صلح آمریکایی باشد. واشنگتن در طرح های صلح خود می خواهد هم اسرائیلی ها و هم عرب ها را برای خود داشته باشد. خواست اسرائیل این است که واشنگتن صریحتر بر اتحاد استراتژیک خود با اسرائیل تاکید کند و اعراب را تا آن حد زیر فشار قرار دهد که مساله فلسطین را به فراموشی سپارند. از طرف دیگر متحدین عرب آمریکا اکنون تمای آن را دارند که به ازای خدمتی که به آمریکا کرده اند و می کنند واشنگتن بقیه در صفحه ۵

بازگشت "بدون مشکل"؟

بنابه گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در جلسه ای که هفته گذشته با شرکت مسئولین سفارت جمهوری اسلامی در بن و با شرکت معاون سیاحتی وزارت ارشاد اسلامی در محل سفارت برگزار شده است، شرکت کنندگان در جلسه، "موضوع ایرانیان مهاجر مقیم آلمان را مورد بحث و بررسی قرار داده" و ظاهرا به "نتایجی" هم دست یافته اند. به گزارش خبرگزاری

"شورای عالی امنیت ملی" روستاها را ویران می کند

عبدالله نوری وزیر کشور جمهوری اسلامی فاش کرد که به دستور شورای عالی امنیت ملی، برای مبارزه با فعالیت گروه های سیاسی مخالف رژیم تعدادی از روستاهای مناطق غرب و شرق کشور، تخلیه خواهند شد. وی که در مجلس شورای اسلامی و در پاسخ به سوال نماینده پاوه در مورد تخلیه دو روستای نروی و نیسانه واقع در بخش مرزی نوسود به بهانه نفوذ "ضد انقلاب" در آن مناطق سخن می گفت، تاکید کرد: تخلیه این روستاها مربوط به دوران خدمت من نیست، چنانچه اگر در دوران تصدی من نیز انجام می شد به صورت خیلی

نگرانی شدید جمهوری از تشکیل

پیمان امنیتی دمشق

توافق مصر، سوریه و ع کشور عرب عضو شورای همیاری خلیج فارس در مورد انعقاد یک پیمان سیاسی و نظامی و حمایت های آمریکا و اروپا از آن، نگرانی های شدید جمهوری

رفسنجانی خواهان

کناره گیری صدام از قدرت شد

رئیس جمهور حکومت اسلامی خطبه های نماز جمعه هفته گذشته تهران خواستار کناره جویی صدام حسین از قدرت گردید و از او خواست به "بزرگترین و آخرین اشتباه" خود، یعنی سرکوب جنبش مردم عراق دست نزند. وی با اشاره به ناآرامی های اخیر در عراق گفت: این بزرگترین و آخرین اشتباه صدام خواهد بود اگر با مردم مقابله کند. رفسنجانی خطاب به دیکتاتور عراق و حزب بعث گفت: ما به آنها نصیحت می کنیم که تسلیم اراده مردم شوند و حالا که مردم حاضرند عراق مخروبه را از شما تحویل بگیرند و آن را بازسازی کنند، شما نیز از این پیشنهاد استقبال کنید. رفسنجانی خاطر نشان کرد که صدام حسین و حزب بعث را نه مردم عراق و نه منطقه قبول ندارند و آنها محال است بتوانند بر مشکلات پیروز شوند.

دروغ پردازی

کیهان هوایی

● نامه توضیحی دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در رابطه با مطلب درج شده در کیهان هوایی شماره ۹۱۸ در صفحه ۳

جنگ تمحیلی رهایی یافته و مصمم است از اتباع خود در خارج از کشور بطور شایسته و براساس ضوابط و مقررات قانونی حمایت های لازم را به عمل آورد. اگر بتوان در ضرب المثل معروف "کوه موش زائید" دست برد و آن را به "گرگ موش زائید" تبدیل کرد، کاملاً بر همین خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی و صحبت های معاون سیاحتی وزارت ارشاد اسلامی

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

ماموریت نماینده ویژه خود در ایران را

یکسال دیگر تمدید کرد!

زمینه نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران است. رژیم در آستانه و در جریان ۴۷مین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل تلاش های گسترده ای را بکار برد تا مانع محکومیت خود و تمدید ماموریت نماینده ویژه گردد و در این زمینه موفق شد، همراهی گروهی از کشورها را نیز بدست آورد. اما این تلاشها شکست خورد و هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی مجبور شد سند محکومیت خود را بپذیرد.

بدنبال شکست تلاش جمهوری اسلامی برای گریز از محکومیت جهانی، این رژیم به دروغ گویی بیشتر مانده ای دست زد و مدعی شد کمیسیون حقوق بشر به نفع جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۲

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، بر پایه گزارش نماینده ویژه خود بار دیگر از موارد نقض حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی نمود و ماموریت نماینده ویژه این کمیسیون در ارتباط با کنترل وضعیت حقوق بشر در ایران را بمدت یک سال دیگر تمدید کرد. هر چند قطعنامه تصویب شده در اجلاس ۴۷ام کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، بهیچ رو، ابعاد جنایات عظیم رژیم جمهوری اسلامی را بازتاب نداده و نسبت به نقض مکرر حقوق بشر از طرف رژیم، بویژه اعدام، شکنجه و بازداشت مخالفین سکوت کرده اما ابراز نگرانی این کمیسیون از نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی، و هم چنین تمدید ماموریت نماینده ویژه این کمیسیون سندر سوایی تازه رژیم اسلامی و نشانگر ادامه نظارت ویژه آن بر رژیم تهران در

قانون کار

جمهوری اسلامی

قانون کار جمهوری اسلامی، ۱۳ سال پس از تاسیس رژیم، سرانجام توسط مجمع تشخیص مصلحت، بتصویب نهائی رسید. این قانون - در محتوای البته نازل تر از این - نخست در سال ۶۶ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. اما شورای نگهبان با مخالفت خود، راه تصویب نهائی را بر آن بست، در سال ۶۷، موضوعات مابه الاختلاف مجلس و شورای نگهبان جهت حکمیت به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع شد و حکمیت این ارگان ۲ سال بعد از ا کشید تا سرانجام، حرف آخر، در قالب آنچه که اینک قانون کار جمهوری اسلامی نامیده می شود، زده شود.

بقیه در صفحه ۶



گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند)

روز جهانی زن

در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۵

دروغ پردازی کیهان هوایی

● نامه توضیحی دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در رابطه با مطلب درج شده در کیهان هوایی شماره ۹۱۸

از: دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت به: هفته نامه کیهان هوایی

اطلاع دارید که در صفحه اول شماره ۹۱۸، روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۹، هفته نامه کیهان هوایی، مطلبی با عنوان درشت زیر چاپ شده است:

«رهبری فدائیان اکثریت: سیاست نظامی آمریکا در خلیج فارس مایه تسلی خاطر است.»

از آنجا که تیتیر مذکور و مطلب توضیحی آن، به گواه اسناد رسمی‌ئی که توسط رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در توضیح مواضع خود نسبت به بحران خلیج فارس و مداخله نظامی آمریکا در منطقه منتشر شده، فیرواقعی و سرپا تحریف است، لازم می‌دانیم از گردانندگان کیهان هوایی بخواهیم توضیحات زیر را، مطابق قانون هم مطالبه‌ها، در همان صفحه و همان ستون از نشریه خود درج نمایند، هر چند که صحبت از قانون و رفتار قانونی در جمهوری اسلامی و انتظار همل به قانون از طرف وابستگان به این رژیم بیهودگی خود را هملا به اثبات رسانده است، اما بگذار یکبار دیگر نیز پز دمکرات مآبی‌ئی که آقایان در خارج کشور گرفته‌اند، واقعیت خود را نشان دهد.

۱- گردانندگان کیهان هوایی خود بهتر می‌دانند مواضع رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت در مورد «سیاست نظامی آمریکا در خلیج فارس» نه تنها مغایر با تیتیر و مطلب مذکور است، بلکه درست در نقطه مقابل آن قرار دارد. شورای مرکزی سازمان، در همان فردای آغاز جنگ در خلیج فارس، طی اطلاعیه‌ای به صراحت اعلام نمود: «شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت، وقوع جنگ در

خلیج فارس را محکوم می‌کند و دولت آمریکا را مسبب اصلی شروع جنگ که اینک منطقه را در خون و دود و آتش فرو برده است، می‌شناسد... در پشت پرده ادعاهای انسان دوستانه دولت آمریکا هیچ چیز نیست جز تلاش جنون آمیز به قصد تحمیل سرکردگی این دولت و تحمیل اراده شرکت های آمریکایی بر جهان، به اتکالی قدرت نظامی». اعلامیه‌های متعدد دیگری که در مورد جنگ خلیج فارس از طرف شورای مرکزی سازمان صادر شد و نیز سرمقاله‌ها و مطالب سیاسی نشریه کار - ارگان مرکزی سازمان و نشریه اکثریت در مورد بحران خلیج فارس که منعکس کننده نظرات رهبری سازمان بوده‌اند، نیز حاوی همین نوع موضعی‌گری در قبال «سیاست نظامی آمریکا در خلیج فارس» هستند. از جمله در سرمقاله نشریه کار شماره ۷۸ مورخ شهریور ماه ۱۳۶۹ به صراحت تاکید شده است که: «اگر امروز به دلیل تجاوزکاری صدام حسین، دخالت نظامی آمریکا توجیه شود، فردا این کشور بیش از پیش خود را محق خواهد دانست که به بهانه دفاع از آنچه که خود تشخیص می‌دهد، استقلال هر دولت دیگری را با نیروی نظامی خود به خطر اندازد... ما دخالت نظامی آمریکا در منطقه را محکوم می‌کنیم و خواهان خروج فوری نیروهای نظامی آمریکا و تمام کشورهای خارجی از منطقه هستیم.» فرض از اشاره به این اسناد روشن کردن ذهن گردانندگان و قلم زنان کیهان هوایی نیست. آنها خود بهتر از هر کسی می‌دانند که چرا و چگونه مواضع روشن ما و از جمله تیتیر درشت آخرین اعلامیه شورای مرکزی در مورد «سیاست آمریکا در خلیج فارس» مبنی بر اینکه «گسترش جنگ توسط آمریکا و هم‌پیمانانش بیمکاری آمریکا علیه بشریت است» با چنین تحریف خشنی از سوی آقایان، سر از هفته نامه‌شان در می‌آورد.

این اولین باری نیست که کیهان هوایی سعی می‌کند سیاست های سازمان و سایر نیروهای مخالف رژیم را چیزی جز آنچه که هست، جلوه دهد. موضع گیری‌های معیوب و واژگونه‌ای از این دست نه یک اشتباه و لغزش قلم اتفاقی و استثنایی است و نه از روی نادانی و بی‌اطلاعی نویسندگان آن صورت می‌گیرد، بلکه به‌گواه تاریخ انتشار هفته نامه کیهان هوایی، تحریف و تبلیغات مسموم در خارج کشور علیه مخالفین سیاسی رژیم با تکیه بر تحریفاتی از این دست انگیزه اصلی انتشار این نشریه از سوی رژیم بوده و منش بر خوردان با نیروها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون بوده است.

۲- دو سوتیتر بالا و پائین مطلب مندرج در کیهان هوایی و مطلبی که ذیل عنوان مذکور در صفحه دوم این نشریه درج شده است، حاکی از آن

کمیسیون حقوق بشر...

رای داده‌است! منوچهر متکی معاون امور بین الملل وزارت خارجه و رئیس هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در این اجلاس طی اظهارات سرایا کذبی که روز ۵شنبه از رادیوی دولتی تهران پخش شد، مدعی گردید: «تصمیم کمیسیون حقوق بشر برای خارج کردن موضوع حقوق بشر در ایران از مجمع عمومی به معنای تایید حقانیت مواضع و نقطه نظرات جمهوری اسلامی ایران در این زمینه است...» وی در ارائه این دروغ فکری آشکار اضافه کرد: «با همکاری جمهوری اسلامی ایران با این کمیسیون ظرف ۲ سال گذشته و سفر گزارشگر این کمیسیون به تهران و مشاهدات و تحقیقات وی در ایران به پایانه بودن ادعاهای گروه‌های تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران برای این کمیسیون به اثبات رسید.»

اظهارات آشکارا دروغ

نمایند رسمی رژیم نشانه سردرگمی حکومت تهران و وحشت آن از بازتاب رسوایی جهانی‌اش در ایران می‌باشد. این رژیم که تاکنون همه گزارشهای نماینده ویژه سازمان ملل و قطعنامه‌های متعدد کمیسیون حقوق بشر از سال ۶۳ بدین سورا رد کرده و آنها را ناشی از خواست «موال استکبار»

قلمداد نموده بود، اینک با استفاده از سانسور گسترده در صدد فریب آشکار مردم و جعل حقایق برآمده است. اما جعل حقایق برای چه کسانی؟ برای مردمی که خود با پوست و گوشت شان سرکوبگری و نقض حقوق بشر در ایران را لمس کرده‌اند، داغ رنق و شلاق را بر کرده فرزندان خود به چشم دیده‌اند و دسته دسته جوانان خود را قربانی داده‌اند! برای مردمی که در همین ماه از قول وزیر کشور کشور رژیم خیر انهدام روستاها و دستگیری گروه گروه مردم به خاطر مبارزه با «ضد انقلاب» را شنیده و خوانده‌اند؟

اما جعل حقایق برای چه کسانی؟ برای مردمی که خود با پوست و گوشت شان سرکوبگری و نقض حقوق بشر در ایران را لمس کرده‌اند، داغ رنق و شلاق را بر کرده فرزندان خود به چشم دیده‌اند و دسته دسته جوانان خود را قربانی داده‌اند! برای مردمی که در همین ماه از قول وزیر کشور کشور رژیم خیر انهدام روستاها و دستگیری گروه گروه مردم به خاطر مبارزه با «ضد انقلاب» را شنیده و خوانده‌اند؟

است که نویسنده آن ظاهراً تفسیر خود را از نامه سرگشاده‌ای که رفیق فرخ نگهدار خطاب به جرج بوش نوشته است، دستاویزی برای تحریف نظرات رهبری سازمان مآ قرار داده است. در این خصوص نیز باید گفت: اولاً- مواضع رهبری سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت طی اعلامیه‌هایی که از سوی شورای مرکزی سازمان صادر شده و می‌شود و نیز در سرمقالات نشریات سازمانی و نیز مقالات تحلیلی مندرج در این نشریات منعکس می‌شود.

ثانیاً- شورای مرکزی در گزارش کنگره اول سازمان، مندرج در کار شماره ۷۸، اعلام نمود که هیچ یک از اعضا هیئت سیاسی سابق سازمان، از جمله رفیق فرخ نگهدار، در ترکیب شورای مرکزی منتخب کنگره که رهبری سازمان را بر عهده دارد، حضور ندارند.

و ثالثاً رفیق فرخ نگهدار که خود نیز در امضای نامه سرگشاده مذکور تصریح نموده است، عضو سازمان ماست و نه رهبر آن و مسئولین نشریه اکثریت بر اساس پرنسیپهای دمکراتیک موجود و روابط دمکراتیک جاری در سازمان و احترام به حقوق فردی اعضا در ارائه و بیان نظرات خود، نامه سرگشاده مذکور را در صفحه «خبرها و نظرها» که به انعکاس نظرات مختلف اختصاص دارد، درج نموده‌اند.

گردانندگان کیهان هوایی این نکات را نیز به خوبی می‌دانند اما در نادیده گرفتن آن عمد دارند و علیرغم همه نکات روشن مذکور، برگزیده غیرمنصفانه و تفسیرات خود فرزانده‌ای از مواضع یکی از اعضای سازمان را، به عنوان مواضع رهبری سازمان و به صورت تیتیر درشت در صفحه اول منعکس می‌کنند.

سیاستی که جمهوری اسلامی و به تبع آن، گردانندگان کیهان هوایی در برخورد با اپوزیسیون اتخاذ کرده‌اند، پای چوبینی است که راه به جای دوری نخواهد برد. بن بست موجود در سیاستهای رژیم خود بهترین گواه بر این واقعیت است. با سیاست تحریف، با وارونه سازی حقایق و واقعیت‌ها و با دروغ پردازی و جوسازیهای مصنوعی که همواره چاشنی سیاست سرکوب و سر نیزه جمهوری اسلامی در قبال اپوزیسیون سیاسی بوده است، تاکجایی توان رفت؟ حقیقت این است که زندگی و سرنوشت پیش کسوتان و همسنگران جمهوری اسلامی در این جبهه آبرو و باخته در سهای بزرگی می‌توانست و می‌تواند برای آقایان داشته باشد.

دبیر خانه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت ۱۷ اسفند ۱۳۶۹.

گرامی باد...

بقیه از صفحه ۵

فقا بر سینه می‌فشارند و پرورش می‌دهند، لالائی‌ایان سرود بیدارباش فردای جامعه ماست. هستند مادران و خواهران و دخترانی که مردان خود را در مصاف نابرابر اندیشه آزادی و عدالت و سرنیزه و ستم از دست داده‌اند و اکنون در باغچه قلبشان کینه و نفرت از آدمکشی و ستمگری را پرورش می‌دهند. هستند مادران و خواهران و زنانی که مردان خود را در جنگ بی‌معنی و بی‌حاصلی که ۸ سال تمام بر ادامه آن لجوجانه اصرار ورزیده شد و امروز بیهودگی‌اش حتی برهت مانده‌ترین اذهان نیز روشن شده است باخته‌اند و اکنون تنها و بی‌سرپرست با هول زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند.

و دخترانمان! می‌بالند، می‌شکند تا مادران فردا شوند. آنها محبوس زندان بزرگی به وسعت ایرانند. پرواز و شادی، دودین و بلخند برای آنها جرم است و گزیمه‌گان شب و روز در کارند که عشق به زندگی و نشاط دخترانه را از قلبهای آنان بزدایند.

ما ضمن تبریک مجدد ۸ مارس، روز جهانی زن برای زنان شرافتمند کشورمان و زنان قهرمانی که چه در زندان و چه در بیرون آن زندان وجهه در خارج کشور برای دستیابی به دمکراسی و عدالت‌دز میهن، بلاکشیده‌مان مبارزه می‌کنند، به همه مادران، خواهران و دخترانی که عزیزان خود را در راه مبارزه علیه نابرابری و استبداد از دست داده‌اند، آرزو می‌کنیم در سال آینده ندای حق طلبی عدالت جوئی و آزادیخواهی زنان میهنمان را ستر و نیرومندتر از هر زمان دیگری باشد.

از سوی سازمان های مخالف رژیم افشاء گردیده است. سخنان وزیر کشور جمهوری اسلامی نشانگر ادامه این روش توسط حکومت اسلامی و برنامه‌های گسترده شورای امنیت ملی برای آنان و زندان و شکنجه و اعدام است.

حضانت فرزندان به موجب قوانین رسمی از مادران سلب شده است و همه اینها برای این است که در اندیشه سیاه فقها زن انسان درجه دوم و نیمه عقل محسوب می‌شود و باید به کنج خانه‌ها و پستوها رانده شود. زنان بیکار گسترده ترین بخش از بیکاران جامعه ما را شامل می‌شوند. جمهوری اسلامی با اعمال سیاست خانه نشین کردن زنان کارگر و کارمند، جلوگیری از استخدامهای جدید، ممانعت اکید از تداوم و گسترش فعالیت‌های اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی زنان، حذف امکانات و حقوق صنفی ویژه زنان در محیطهای کار از قبیل تعطیل نمودن مهدکودک‌ها

و شیر خوارگاهها، حقوق صنفی و اجتماعی آنان را به بی سابقه ترین نحوی پایمال نموده است و این در حالی است که هیچ قانونی از زنان کشورمان در برابر گرسنگی و بیکاری و بیماری دفاع نمیکند. تنها حقی که رژیم برای زنان قائل است، حق شستن، رفتن، پختن و دوختن... به همه این فشارها و تضییقات قانونی بایستی جو رعب و وحشتی که علیه زنان در کشورمان وجود دارد را نیز اضافه نمود. هنوز نعره‌های «مرگ بی‌حجاب» دستجات چماقدار در خیابانها طنین انداز است و گشت‌های امر به معروف و نهی از منکر زنان شرافتمندی را که حاضر به پذیرش تحمیلات ارتجاعی رژیم نیستند، در خیابانها شکار می‌کنند.

مادرانی هستند که هنوز در زندانها و سیاهچالهای رژیم محبوسند و کودکان خویش را در تاریکخانه‌های قرون وسطایی

سیاست وحشیانه سرکوب و ارباب در برابر مخالفان رژیم، به ویژه در مناطق ملی که با اعدام‌های گسترده، زندانی ساختن و شکنجه مبارزین، ویرانی روستاها و آواره ساختن اهالی آنها توأم بوده است، سالهاست که ادامه دارد و بارها نیز

«شورای عالی امنیت ملی»...

نخواهند شد. وزیر کشور جمهوری اسلامی فاش ساخت که برنامه‌های گسترده تری برای تخلیه و انهدام «روستاهایی که مشکلات امنیتی» دارند، در شورای عالی امنیت کشور مورد تصویب قرار گرفته است. وی گفت: این مسئله منحصر به دو روستای مزبور نیست و در مناطق غرب و شرق کشور نیز در مورد روستاهایی که مشکلات امنیتی دارند، شورای عالی امنیت ملی چنین برنامه‌ای دارد و شورای تامین ویژه غرب و شرق کشور نیز به این مسئله رسیدگی می‌کند. وزیر کشور افزود: ممکن است برخی روستاهای دیگر نیز با اجرای این طرح تخلیه شوند که موقعیت آنها نیز مشخص شده است. وزیر کشور حکومت اسلامی با تاکید مجدد بر ادامه سیاست سرکوبگرانه رژیم خاطر نشان ساخت: ما به دلیل مشکلات خاص امنیتی که داریم به هیچ وجه حاضر نیستیم هیچ موضوعی را در ارتباط با مسایل امنیتی بپذیریم.

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

رفسنجانی خواهان...

بقیه از صفحه ۱

حمادی به تهران، تلاش برای منصرف کردن رژیم اسلامی از دخالت در ناآرامی‌های عراق و پشتیبانی از آن بوده است. برخورد سرد سران رژیم با فرستاده ویژه صدام حسین و بی‌اهمیت نشان دادن این سفر و به ویژه سخنان اخیر رفسنجانی مبنی بر دعوت صدام حسین به کناره جویی از قدرت را باید پاسخ منفی و رسمی به خواسته رژیم عراق تلقی کرد.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد دوران ۷ ماهه هسل رژیم‌های تهران و بغداد که همزمان با اشغال کویت توسط عراق و پذیرش شرایط صلح ایران از سوی آن کشور آغاز شد و با اختلالات ادامه یافت همراه باشکست عراق در جنگ و شروع ناآرامی‌های این کشور رو به پایان است. رژیم جمهوری اسلامی، حکومت بهت و بویژه شخص صدام حسین را رفتنی میدانند و هرگونه سرمایه گذاری روی آن را نه تنها بی‌فایده بلکه خطرناک می‌شمارد.

جمهوری اسلامی ناآرامی‌های عراق را یک فرصت مناسب برای تحقق رویای دیرینه خود یعنی برقراری جمهوری اسلامی در عراق می‌شناسد و قطعاً از جریان وابسته‌ای که مدت‌هاست در زیر بیای خود پرورش داده بدین منظور بهره خواهد گرفت. آنچه که جمهوری اسلامی را در این راستا به ویژه ترغیب می‌کند، شرایط بسیار پیچیده منطقه است. اکنون حوادث به سمتی پیش می‌رود که حکومت اسلامی از بسیاری حوادث منطقه برکنار مانده و یا برکنار نگاه داشته شده است. حکومت تهران نفوذ در ناآرامی‌های عراق و اثر گذاری در سیمای سیاسی آینده این کشور را وسیله مهمی برای اثر گذاری در سیاست‌های مربوط به کل منطقه و اثبات اهمیت نقش خود در ساختار سیاسی و امنیتی آینده منطقه خلیج فارس می‌داند و می‌خواهد از این برگ در جهت حضور بیشتر در معادلات امروز و فردای منطقه استفاده کند.

هفته گذشته سعدون حمادی معاون نخست وزیر و عضو شورای فرماندهی عراق به تهران رفت و طی اقامت دو روزه خود با هلی اکبر ولایتی دیدار کرد. وی حامل پیام کتبی صدام حسین برای رفسنجانی بود. این پیام به ولایتی تسلیم شد و جزئیات آن نیز منتشر نگردید. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در مذاکرات ولایتی و حمادی اوضاع منطقه و شرایط جدید عراق مورد گفتگو قرار گرفت و مقام هراتی دلایل تصمیم این رژیم برای عقب نشینی از کویت و پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را به اطلاع حکومت تهران رساند. اما هدف اصلی سفر سعدون

معنای دخالت نیست و معنایش طرفداری از حق و مردم است. پیش از آن نیز هلی اکبر ولایتی وزیر خارجه، در دیدار با معاون وزیر خارجه شوروی سخنان مشابهی بر زبان آورده بود. اما علیرغم تکذیب دخالت رژیم تهران در ناآرامیهای اخیر عراق، به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی مذاکره پیرامون سرنوشت آتی این کشور یکی از محورهای ثابت تمام مذاکرات گسترده مقامات حکومت اسلامی با نمایندگان کشورهای دیگر در هفته گذشته بوده است. حسن حبیبی معاون اول رفسنجانی به هنگام سفر خود به دمشق گفت: ایران و سوریه هر دو همسایه عراق هستند و از این رو به وقایع داخلی این کشور توجه نشان می‌دهند. گفته می‌شود جمهوری اسلامی هم از طریق عوامل مستقیم خود و هم از طریق جریان مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به ریاست محمد باقر حکیم، می‌کوشد در ناآرامی‌های عراق به سود خود تاثیر بگذارد. مطبوعات و رادیو تلویزیون رژیم اخبار منتشره از سوی این جریان را با تفصیل منتشر می‌سازند و درباره نقش و قدرت آن در حوادث عراق بزرگ نمایی می‌کنند.

سفر سعدون حمادی به تهران هفته گذشته سعدون حمادی معاون نخست وزیر و عضو شورای فرماندهی عراق به تهران رفت و طی اقامت دو روزه خود با هلی اکبر ولایتی دیدار کرد. وی حامل پیام کتبی صدام حسین برای رفسنجانی بود. این پیام به ولایتی تسلیم شد و جزئیات آن نیز منتشر نگردید. مطابق گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در مذاکرات ولایتی و حمادی اوضاع منطقه و شرایط جدید عراق مورد گفتگو قرار گرفت و مقام هراتی دلایل تصمیم این رژیم برای عقب نشینی از کویت و پذیرش قطعنامه‌های سازمان ملل متحد را به اطلاع حکومت تهران رساند. اما هدف اصلی سفر سعدون



دندان مار

قیصر کوپنی!

نویسنده و کارگردان: مسعود کیمیایی
(طرح داستان: احمد طالبی نژاد)
مدیر فیلمبرداری: منوچهر صادقیور
موسیقی متن: فریبرز لاچینی
بازیگران: صدیقی، گلچهره سجادی و...

مادر آقارضا کارگر چاپخانه میمیرد، برادرش که به جبهه رفته، مفقودالاست و فقط پلاک او به دست آقا رضا رسیده است. خواهر آقا رضا چون اجاقش کور است همیشه از دست شوهرش کتک میخورد و زیر چشمش همیشه کبود است. آقارضا که به دلیل کار در چاپخانه، چشمانش بیمار است، به بهانه مرگ مادر از خانه بیرون میزند و در هتلی در جنوب شهر، هم اتاقی فردی بنام احمد آقا میشود که رئیس یک باند از نوجوانان سیگار فروش است. این باند، خود از آقا عبدل محترک و تقلبی ساز (اهم از کوپن و ضد یخ و روغن و...) فرمان میبرد. رضا و احمد با هم دوست میشوند و با هم کاری همان باند نوجوانان، انبار حملواژ اجناس ضروری و کمیاب آقا عبدل را آتش میزنند.

آری، مستخدم هر فیلمسازی حق دارد حرفی بسازد! از طرفی ما تماشاچیان هم حق داریم آقا خوب و بد کنیم و به اصطلاح به آنها "ستاره" بدهیم. "دندان مار" فیلم خوبی نیست و آسمان بی ستاره ای دارد! بجز چند صحنه از بخشی از واقعیات زندگی در ایران که حول و حوش دلالان مال و جنس و حاشیه نشینان جریان دارد و چند نما و صحنه موثر که به تنهایی قابل تاکیدند (مثل نمای دست و پای جسد مادر، صحنه جنگ و گریز پسرک سیگار فروش و جوانک آقارضا در سوگ دوست دیرین) باقی فیلم را میتوان به کارنامه بد کیمیایی اضافه کرد. کیمیایی که داین فیلم هم ثابت کرده زندگی بخشی از مردم (که آفته به فرهنگ لمینی است) توجه دارد، در همین حال ثابت کرد که همچنان در تصویر آن ناتوان است.

نکات بسیار در فیلم وجود دارد که هم از نظر هنر فیلمسازی و هم از نظر مباحث اجتماعی، میتوان بحثهای جدی روی آنها باز کرد.

کرد که متأسفانه در حوصله این نوشته نیست. اما ما یک سؤال را مطرح کنیم: اگر کیمیایی پدیده های نامنجر و ضد جامعه مثل احتکار، دلالی و تقلبی سازی را به مثابه پدیده هایی زشت و ضد ارزش مطرح میکند، پس چرا احمد آقا دلال خوب است و آقا عبدل دلال بد؟ آیا خوبی احمد آقا که همان ابتدای مطرح شدنش در فیلم، احساس مثبت به او به تماشاچی القا میشود، به دلیل مهربان بودنش است و یا... بخصوص آنکه احمد آقا در انتهای فیلم به مثابه یک ناجی و... (این چیزی است که فیلم القا میکند) در مقابل چشمان منتظر و شیفته آقا رضا ظاهر میشود و فیلم با قامت وی بر روی یک پل خیابانی پایان میگیرد.

بهر حال یک چیز در این فیلم روشن است: کیمیایی میخواهد چیزی بگوید! چیزی که اینجا و آنجا خود می نماید. در نمایش رنج انسانها، در کبودی پای چشم زیور (خواهر رضا)، در انگشتان خشکیده مادر که وسط اتاق رو به قبله قرار گرفته، در چهره ساده آن کارگر چاپخانه که گوش (شاید بر اثر صدای دستگاه) سنگین است و بالکت سخن میگوید، در زندگی از دست رفته آقا جمال که با "خاطرات سیاسی" و صدای بنان و مرضیه و قلبی که با باطری دست دوم کار میکند، آخرین روزهای عمر را میگذراند، در پلاک برادر مفقودالاست آقارضا و در آن الله طلایی بران که از داستان رنج کشیده مادر در آمده و به گردن آقا عبدل محترک و دلال و حقه باز آویزان شده است! آری، راست این است که کیمیایی میخواهد چیزی بگوید. اما در این گفتن ضعیف است. بویژه آنکه او نمادی انتقام فردی است. قیصر کیمیایی نیز به انتقام خون برادر و تان ناموس از دست رفته خواهر، آدم میکشد. قیصر جدید نیز در پی دوستی با رضا به همان نتیجه میرسد: کوپنهای تقلبی را از پنجره توی خیابان و در میان مردم میریزد و با باند خود، پیراهن سیاه بز تن و مشتملای گره کرده به سراغ آقا عبدل میرود.

از قرار معلوم پس از ۲۰ سال، از سال ۱۳۴۸ که فیلم قیصر ساخته شد تا ۱۳۶۸ که فیلم دندان مار ساخته شد، کیمیایی به راه حل دیگری نه در زمینه مسائل مبتلابه جامعه و نه فیلمسازی نرسیده است! چرا که در این فیلم هم از همان کلیشه های قیصری استفاده کرده است. حال آنکه ۲۰ سال عمری است که میتوان طی آن بسیار چیزها آموخت و تجربه کرد.

کلام آخر آنکه "دندان مار" با توجه به آثار با ارزش فیلمسازان ایران، فیلمی در حد نستیوال "ده فجر" هم نبود چه برسد به نستیوال فیلم برلین!

دوفیلم ایرانی در

جشنواره فیلم برلین

الف - بابک

چهل و یکمین جشنواره فیلم برلین از ۱۵ تا ۲۶ فوریه ۹۰ (۲۶ بهمن تا ۷ اسفند ۶۹) برگزار شد. این جشنواره بغیر از بخش مسابقه، شامل بخشهای دیگر از جمله: آثار فیلمسازان زن، جشنواره فیلم کودکان، چشم انداز و مروری بر فیلم های "جنگ سرد" بود. در بخش اخیر که شامل ۶۰ فیلم از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۲ بود، آثاری از بیل وایلدر، جرج سیدنی، الیا کازان و دو فیلم معروف "پرده پاره" (۱۹۶۶) و "توپاز" (۱۹۶۹) از آلفر دمیچاک نمایش داده شد.

در پایان جشنواره، پس از یازده ساعت تبادل نظر، جایزه بهترین فیلم (خرس طلایی) به فیلم "خانه لبخند" ساخته مارکو فروری از ایتالیا تعلق گرفت.

جایزه ویژه هیات داوران (خرس نقره ای) به فیلم "محکومیت" ساخته مارکویلو پیو از ایتالیا و فیلم روسی "شیطان" ساخته ویکتور آریستوف داده شد.

جایزه منتقدین بین المللی به ژاک دوپلون (فرانسه) برای فیلم "گنگستر کوچک" یورگن بوتچر (آلمان) برای فیلم "دیوار" تعلق گرفت.

خرسهای نقره برای بهترین بازیگران زن و مرد به ترتیب به ویکتوریا پریر (اسپانیا) برای فیلم "عاشق" و ماینارد اتریاشی (نیجریه) برای فیلم "آقای جانسون" تعلق گرفت.

از ایران، دو فیلم "ریحانه" (علیرضا رئیسیان) و "دندان مار" (مسعود کیمیایی) در این جشنواره شرکت داشتند. "ریحانه" در دو ستانس (۱۹ و ۲۰ فوریه) در بخش "چشم انداز" و "دندان مار" در پنج ستانس (۲۴ و ۲۵ فوریه) در بخش مسابقه به نمایش درآمدند. گفتنی است که بسیاری از هیاتمدان به دلیل تمام شدن بلیط، موفق به تماشای این دو فیلم نشدند.

زندگی بخشی از این زنان را در نظر داشتیم. بخشهای دیگر را چندان نمی شناسم و باز ندگی آنها برخورد نزدیک نداشته ام و انعکاس زندگی بخشی دیگر در توان من نیست. (کف زدن تماشاچیان)

س - لطفاً زمان و مکان داستان فیلم را بگوئید.

ج - این فیلم در گاشان فیلمبرداری شده و زمان داستان مربوط به سال ۱۳۵۳ است. اما موضوعی است که میتواند در هر زمان و هر جایی باشد.

س - شما در ایران زندگی میکنید؟

ج - بله.

س - چه مدت است که از ایران خارج شده اید؟

ج - من برای شرکت در نستیوال از ایران خارج شده ام و فقط چند روز است که در اینجا هستم! (کف زدن تماشاچیان)

س - چه اصراری داشتید که رضا (پسرهمو) راسیاسی نشان دهد و چر اصلاً او را مطرح کردید؟

ج - من اصراری نداشتم. بخاطر همین هم این جنبه تا این حد کم رنگ مطرح شده است. موضوع اصلی فیلم ریحانه است و رضا صرفاً نقش کاتالیزور دارد و من او را به عنوان محرکی که به راه افتادن ریحانه کمک کرده، مطرح کرده ام.

س - اگر صحبتی دارید، میتوانید مطرح کنید.

ج - من در طی نمایش فیلم واقعا احساس کردم در ایران هستم. تماشاچیان در دست در همان صحنه هایی که در ایران مردم عکس العمل نشان میدادند، واکنش نشان دادند و فکر میکنم توانسته ایم آنچه را که در نظر داشتم، بگویم. امیدوارم دیدار بعدی مان در برلین دلنشین تر باشد و فیلم بهتری از من ببینید. (کف زدن تماشاچیان)

(توضیح: این متن در سالن سینما یادداشت برداشته شده و اگر در برخی جملات دقیق نیست از آقای رئیسیان پوزش میخواهم.)

درست مثل انسانها برخی فراموش میشوند و برخی می مانند! و کدام منتقد میتواند به یک فیلمساز بگوید که چطور فکر کند و چطور بسازد؟! بگذار هر کس خود تعیین کند که جزو فراموش شدگان باشد یا به یادماندگان!

در مورد "ریحانه" بیشتر قصد معرفی و بیان نظر دارم تا نقد. بویژه قصد بیان نگاهی دارم که در فیلم برای من جذابیت داشت.

"رئیسیان" موضوع حساسی را در دستمایه فیلم خود قرار داده است. نگاه وی به موقعیت زن در جامعه و خانواده سنتی، واقعی است. در این جامعه مرد حاکم مطلق بر سرنوشت زن است. چه برادر، چه شوهر، چه همو و حتی رئیس کارخانه! دو مرد در دوتوبت برای وصول بدهی خود به کارگاه رنگرزی حیدر (برادر ریحانه) میروند. در گفتگوی بین آنها (و نیز مثلاً در صحبت اسکندر و شاگرد راننده) فرقی بین زن و حیوان و گیاه و اشیاء وجود ندارد. اگر کسی موضوع را نداند، نمیتواند بفهمد آنها دارند راجع به یک زن حرف میزنند! ریحانه معادل است با کارگاه رنگرزی، بدهی و یا هر چیز قابل مبادله و معامله دیگر! وقتی ریحانه ضجه میزند و میگوید که سه سال در خانه شوهرش کلفتی کرده و روز خوش ندیده است، در واقع از زبان هزاران زن ایرانی صحبت میکند که بخاطر ترس از طلاق، بخاطر عدم استقلال اقتصادی، بخاطر مهرمادری و بخاطر هزار و یک قید و بند دیگر، محکوم اند تا آخر عمر، شوهران خود را تحمل کنند! این محکومیت، با نهمایی از ریحانه

میرسد.



در کنار دیوارهای بلند و قدیمی و یا چهره او از پس زنجیر اما مزاده نشان داده میشود. "رئیسیان" گویا فیلمساز خوش بینی است و اصولاً به جنبه های مثبت زندگی بیشتر توجه دارد. شاید این از پاکدلی او و یا آرزویش برای نیک بختی انسانها سرچشمه گیرد. بهر حال هیچ چیز بدی در این گونه نگاه کردن به زندگی وجود ندارد. بویژه آنکه بگونه ای زیبا در فیلم مطرح شده اند. او به عشق نظر دارد و شاید جزو اولین فیلمسازانی باشد که سنت دهه اخیر را شکسته و عشق را از نگاهها و دلها به پرده سینما کشانده است. برای نمونه: ریحانه که در کارخانه مثل همه کارگران زن، لباس سیاه میپوشد، فردای روزی که روزنه امید در دلش گشوده میشود تا شاید به عشق دیرین خود برسد، لباس آبی و ژاکت گلدار میپوشد. و یا وقتی معلوم شد که قرار است یک سفره هم چاشنی فیلم باشد

شخصاً به نقد فیلم آنگونه که امروز در کشورمان رایج است، اعتقاد ندارم. چرا که بر عبارات کلیشه ای چون "نظر به گیشه"، "معمولاً"، "معلوم نیست فلان کس از کجا آمده"، "تأثیر سینما یا کتاب یا فکر فلانی بر فیلم بهمان" و... و یا کلیتاً تعابیر و تفاسیری که شاید هرگز به فکر فیلمساز خطور نکرده، نمیتوان نام نقد نهاد. بنظر من یک فیلمساز در هر سطح و توان، باید آزادی آرا داشته باشد که هر آنچه دل تنگش میخواهد بگوید و هر نوع فیلمی میخواهد، بسازد! حال برخی در این گفتن توانا هستند و برخی طور دیگر. فیلم درست مثل بنی بشر است: متنوع و رنگارنگ، با عقاید و برداشتهای مختلف از زندگی. و درست مثل انسانها! برخی مهربانند، برخی فکور و وزین اند، برخی مودعی و تنگ نظر، برخی در تنگنا، برخی روشن فکر و... و مبتذل هم در این میانه کم نیست! و عجب که

ریحانه

نامی سبز بر

فیلمی به رنگ خاک

نویسنده و کارگردان: علیرضا رئیسیان
فیلمبردار: محمود کلاری
موسیقی متن: کامبیز روشن

روان بازیگران: فاطمه معتمدآریا، حسین محجوب، مجید مظفری، رضا بابک، حمید جبلی، حمیده خیرآبادی (نادره)، اکبر هبدي

"ریحانه" داستان زنی است که علیرغم میل خود به کامیوندری میخواره و "گرگ" صفت شوهر کرده است. فیلم با عکسهای (سیاه و سفید) از مراسم طلاق آندو آغاز میشود. ریحانه به کاشان نزد برادر باز میگردد. برادر (حیدر) تنگدست است و از بازگشت خواهر هم به دلیل تنگدستی و هم به دلیل بی شوهر بودنش راضی نیست. بتدریج می فهمیم که ریحانه و رضا - پسر همویش - به هم علاقه داشته اند، اما حیدر در ازای بدهی خود، ریحانه را به اسکندر کامیوندار داده است. ریحانه برای امرار معاش، کارگر کارخانه ریسندهی میشود و در انتهای فیلم به هنگام ترک کاشان، به رضا

راه اندازی قطار مسافری

زاهدان - کویت

راه آهن دولتی جمهوری اسلامی اعلام کرد که از اول فروردین ماه سال جاری قطار مسافری بین کویت پاکستان و زاهدان آغاز بکار خواهد کرد. افتتاح این خط ارتباطی به دنبال مذاکرات مقامات پاکستانی با مسئولین راه آهن جمهوری اسلامی در هفته گذشته مورد توافق قرار گرفت. مطابق این توافقات دو کشور در موارد دیگری از جمله احداث راه آهن کرمان - زاهدان نیز همکاری خواهند کرد.

تهدید به قطع انشعاب آب

بدنبال کاهش شدید ذخایر آب در سدهای اطراف تهران، سازمان آب منطقه‌ای تهران اعلام کرد، انشعاب آن دسته از مشترکین "مصرف" که مصرف ۳ ماهه آنها بیش از ۲۵۰ متر مکعب باشد، قطع خواهد شد. سازمان آب منطقه‌ای تهران، تهدید فوق را شامل موسسات دولتی و مراکز تجاری نیز کرده و در اطلاعیه خود خاطر نشان نموده است: نسبت به قطع انشعاب موسسات دولتی و مراکز تجاری با توجه به اینکه قطر انشعاب آنها به نصف تقلیل یافته است، در صورت مصرف بیش از حد متعارف، اقدام خواهد شد.

☆☆☆☆☆

تومان، مارک آلمان ۹۲ تومان و فرانک فرانسه ۲۷ تومان معامله شد. بانک مرکزی نرخ دلار شناور را نسبت به هفته قبل ثابت نگاه داشت و آثرابه بهای ۱۳۷ تومان و یک ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرارداد.

اثرات شناور شدن

نرخ ارز و بازار کتاب

صبح زنگنه معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد که چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت سال ۷۰ تشکیل خواهد شد. وی افزود تاکنون ۱۶۰ موسسه و ناشر از کشورهای عربی و اسلامی و ۱۷۰ موسسه و ناشر از کشورهای اروپایی و آمریکایی درخواست شرکت در نمایشگاه چهارم را کرده‌اند. وی گفت در سال جاری حدود ۱۰ هزار عنوان کتاب در داخل کشور چاپ و منتشر شده که ۳ هزار عنوان بیش از سال گذشته است. صباح زنگنه در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: با توجه به تحولات اخیر نرخ گذاری ارز در بانک مرکزی، بانک مرکزی با سقف ارز مورد نیاز نمایشگاه موافقت کرده است، اما بحث بر سر قیمت ارز فوق همچنان پابرجاست. وی تاکید کرد: اگر قیمت ارز مورد نیاز بر مبنای قیمت دولتی آن یعنی ارز ۷ تومان نباشد موسسات تحقیقاتی، دانشجویان، محققان و طلاب قادر به خرید کتابهای مورد نیاز خود نخواهند بود. وی افزود اگر بانک مرکزی بخواهد ارز را با قیمت ۵۰۰ ریال ارز رقابتی پرداخت کند قیمت کتاب ۴ تا ۵ برابر افزایش می‌یابد و اگر قیمت شناور یعنی ۱۳۰۰ ریال مبنای قرار گیرد، قیمت کتاب ۸ تا ۹ برابر افزایش می‌یابد. وی خواستار شد تا با اختصاص ارز دولتی جلوگیری از تعطیل شدن کارهای تحقیقاتی و فرهنگی در کشور گرفته شود.

از رویدادهای ایران

پیوسته و کلیه دفاتر خود در ایران را در اختیار این حزب قرار داده است. هر دو حزب فوق از جریانات وابسته به حکومت تهران بوده‌اند.

گفتنی است که دومین مجمع شیعیان افغانستان و اعضای دعوت شده به آن اختلافات شدیدی را در میان خود افتخارهای وابسته به حکومت اسلامی و احزاب فوق ایجاد کرد. یکی از شرکتکنندگان به نام "پرفسور هدا" ابراز امیدواری کرد در مجمع بعدی از "چهره‌های مفیدتری" استفاده شود. نیروهای عقب مانده تر وابسته به مجاهدین نیز به دعوت "دانشمندان و متخصصان" اعتراض کردند.

تولید نفت ۱۰۰ هزار

بنشکه افزایش می‌یابد

فلامرضا آقازاده وزیر نفت روز چهارشنبه گذشته اعلام کرد که جمهوری اسلامی تولید نفت خام خود را به میزان ۱۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد داد. به گفته وی این افزایشها بدنبال بهبودهای فنی در ماههای اخیر صورت می‌گیرد. میزان تولید نفت خام ایران طی ماه گذشته، ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه در روز اعلام شده است. به گزارش خبرگزاریهای نفت خام در اواسط هفته گذشته افزایش یافت و نفت خام برنت دریای شمال برای تحویل در ماه آوریل ۱۹/۳۵ دلار معامله شد، که بالاترین نرخ در ظرف یک ماه گذشته بوده است.

قرار است وزرای نفت کشورهای عضو اوپک این هفته در ژنو تشکیل جلسه دهند و پیرامون سهمیه تولید و قیمت‌ها پس از جنگ خلیج فارس تصمیم بگیرند.

کنگره بزرگداشت

نظامی گنجوی

نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، شاعر بزرگ پارسی‌گوی با برگزاری کنگره‌ای، گرامی داشته خواهد شد. به گزارش رادیو دولتی تهران این کنگره از ۲۸ تا ۳۱ خرداد ماه سال آینده در تبریز برگزار می‌شود. علاوه بر محققان خارجی و روسای مراکز ایران شناسی از ۲۳ کشور جهان، عده زیادی از محققان مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی نیز در این کنگره شرکت خواهند کرد. ۱۶ نشریه فرهنگی کشور نیز در این کنگره حضور خواهند داشت. دبیر کنگره بین المللی بزرگداشت گنجوی از ادبا و دانشمندان کشورهای مختلف خواسته است تا ۱۰ فروردین ماه سال ۷۰ مقالات خود را بر اساس ۸۸ عنوان پیشنهادی به دبیرخانه کنگره ارسال دارند.

سیل در چند استان کشور

قهر طبیعت کشور ما را هم چنان در چنگال خود دارد. در اواخر هفته گذشته بدنبال بارندگیهای شدید، در استانهای خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، کرمان و هرمزگان سیل جاری شد و خسارتهای فراوانی به بار آورد. به گزارش رادیو تهران در روز ۵شنبه در بویراحمد، بعلت خراب شدن پلها و قطع راههای ارتباطی، ارتباط ۸۰ هزار نفر از ساکنان روستاها با سایر نقاط قطع شد و ۵۰ هکتار زمینهای مزروعی در معرض سیل قرار گرفت. مطابق برآوردهای اولیه بیش از ۳۰۰ میلیون ریال به دامداران و کشاورزان این استان زیان وارد شده است. در خوزستان رودخانه‌های مارون و جراحی طغیان کردند و راههای ارتباطی بیش از ۸۰ روستا با ۶۰ هزار سکنه با اطراف قطع شد. در شهرهای فارس و کرمان نیز طوفان و سیل خساراتی به بار آورد. سیل در استان هرمزگان شدیدتر از سایر جاها بوده و دهها روستا در محاصره سیل قرار گرفته است و زیانهای همدهای به اهالی این مناطق وارد آمده است.

بهای ارزهای خارجی

بهای ارزهای خارجی در بازار آزاد تهران، هفته گذشته بین ۲ تا ۷ تومان کاهش یافت. در این هفته دلار آمریکا ۱۴۲ تومان، لیره استرلینگ ۲۶۸

تاکید خامنه‌ای بر ادامه سیطره

تفکر اسلامی بر صدا و سیما

سیدعلی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی خطاب به اعضای شورای سیاست گذاری صدا و سیما بر ادامه سیطره تفکر اسلامی بر رادیو و تلویزیون تاکید کرد. وی گفت: صدا و سیما جمهوری اسلامی باید وسیله تفکر اسلامی و انقلابی و رسوخ اندیشه اسلامی ناب در مخاطبین خود باشد. خامنه‌ای یکی از وظایف این نهاد را تقویت روحیه جهادی در جامعه از طریق پرداختن صدا و سیما به ایثارگریها، فداکاریها و جانبازیهای ملت بزرگ ایران در جریان ۸ سال جنگ تحمیلی دانست. وی از چگونگی ارایه سیما زن مسلمان در صدا و سیما بعنوان یک مسئله مهم یاد کرد و گفت: زن سرشار از ارزشهای اسلامی و انقلابی است، لذا سیما زن مسلمان و انقلابی باید با تکیه بر حجاب، نجابت، هفت و نقش اصلی و اساسی او در خانواده و جامعه نشان داده شود. لازم به یادآوری است که گردانندگان صدا و سیما هلیروم برگزاری سمینارها و کنفرانسهای متعدد هنوز نتوانسته‌اند الگوی مناسب "زن اسلامی" در تلویزیون را کشف کنند.

خامنه‌ای با توجه به گسترش نارضایتی از برنامه‌های خسته کننده رادیو و تلویزیون در سطح جامعه تاکید کرد که بیش از پیش به موسیقی، داستانها و سریالها و گزارشهای هنری و تاریخی که از موارد مهم در صدا و سیماست توجه شود.

"سمینار" برای قتل

سلمان رشدی!

نیروهای خط امامی با پیگیری در جهت اجرای فتوای خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی پافشاری می‌کنند. هفته گذشته به این منظور سمینار ۳ روزه‌ای بنام "سمینار تبیین و بررسی حکم تاریخی امام خمینی در مورد قتل سلمان رشدی" در تهران تشکیل شد. در این سمینار گروه زیادی از مقامات حکومت اسلامی شرکت کردند. در سخنرانیها انتشار کتاب آیات شیطانی منشأ حرکت سیاسی برای معارضه با انقلاب، اسلام و جمهوری اسلامی نامیده شد و فتوای خمینی در مورد قتل سلمان رشدی یکی از احکام تاریخی که اسلام را سر بلند کرد و به آن شوکت و عظمت بخشید عنوان گردید.

این سمینار در پایان کار خود قطعنامه‌ای صادر کرد و از همه "مسلمانان و مومنین" برای اجرای هر چه سریعتر حکم خمینی دعوت نمود.

تشکیل دومین مجمع

شیعیان افغانستان

هفته گذشته گروهی از "دانشمندان و متخصصین" افغانی مخیم اروپا و آسیا به همراه عده‌ای از اعضای شورای نمایندگی حزب وحدت افغانستان "دومین مجمع شیعیان افغانستان" را در تهران برگزار کردند. اعضای این مجمع با حجت الاسلام ابراهیمی نماینده خامنه‌ای در امور افغانستان، سیداحمد خمینی و هاشمی رفسنجانی نیز دیدار کردند. سیداحمد خمینی که در کنار مقبره خمینی برای این جمع افغانی سخنرانی کرد گفت: جمهوری اسلامی هرگز بر سر شما با هیچ کس و هیچ قدرتی معامله نکرده. روزگاری بود که اگر ما قدمی از مواضع خود نسبت به شما عقب نشینی می‌کردیم حاضر بودند امتیازات بیشمار به ما بدهند. لکن چنین کاری نکردیم. او ضمن تجلیل از مبارزات آنها گفت: در حالیکه عراق با تمام ماشین جنگی خود در کمترین یکماه از متحدین شکست خورد، شما در مبارزه با بر قدرت دیگر هنوز می‌جنگید و از حق خود دفاع می‌کنید. رفسنجانی نیز بر وحدت و رفع اختلاف بین مجاهدین مسلمان و اتکای آنان بر اسلام تکیه کرد و از آنان خواست به نیروهای خارجی و بیگانه آمیدی ننهند زیرا آنها اغراض و اهداف خود را دنبال میکنند. بدنبال این در تهران اعلام شد که حزب وحدت اسلامی خود را منحل و به حزب حرکت اسلامی



مراسم شامل بخش سیاسی و

اجرای موسیقی، فارسی، آذری و

موسیقی از آمریکای لاتین و برنامه‌های هنری می‌باشد.

زمان: شنبه ۶ آوریل ۱۹۹۱

6 April 1991

am: BurgerhaustroisdorfGMBH

Wilhelm-Hamacher-platz 24

5210troisdorf

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

بقیه از صفحه ۱

نگرانی شدید جمهوری از تشکیل

چند هر صده گوناگون دنبال کرد.

گسترش تماس با

رهبران اروپایی و

تاکید بر اجرای بند

۸ قطعنامه ۵۹۸

رئیس جمهوری حکومت اسلامی هفته گذشته با فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه هلموت کهل صدراعظم آلمان، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و جولیو آندریوتی نخست وزیر ایتالیا مذاکره تلفنی کرد. رفسنجانی در مذاکره با رهبران کشورهای اروپایی ضرورت خروج قوای خارجی، تدوین طرح امنیتی توسط خود کشورهای منطقه و مبنای قرار دادن بند ۸ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را مورد تاکید قرار داد. رهبران فرانسه و ایتالیا نسبت به مبنای قرار گرفتن این بند برای ایجاد طرح امنیتی واکنش مثبت نشان دادند (این موضوع در دیدار با هلموت کهل عنوان نشد) بند ۸ قطعنامه فوق الذکر می گوید: "دبیر کل سازمان ملل متحد با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه تدابیر لازم برای افزایش امنیت منطقه را مورد بررسی قرار خواهد داد." تاکید این بند بر نقش سازمان ملل متحد (به جای نقشی که اکنون آمریکا برعهده گرفته است) و همچنین نقش ایران در تدابیر امنیتی آینده منطقه، دلایل طرح مجدد آن توسط حکومت تهران است.

جزئیات مذاکره تلفن رفسنجانی با حافظ اسد فاش نشده است. اما گفته می شود رئیس حکومت تهران از اجلاس دمشق طرح امنیتی تدوین شده در آن ابراز نگرانی و از حضور سوریه در آن ابراز نارضایتی کرده است.

سفر معاون وزیر

خارج شوروی به تهران

جمهوری اسلامی در ادامه تلاش های خود برای اتخاذ مواضع مشترک با شوروی و مقابله در برابر سیاست های آمریکا از طریق ایجاد محوری از ایران و شوروی و کشورهای اروپایی الکساندر بلانگوف معاون وزیر خارجه شوروی را به تهران دعوت کرد. سفر بلانگوف به تهران با استقبال گرم و سرودنای زیاد همراه شد. به گزارش خبرگزاری تاس بلانگوف در تهران تاکید کرد بدون مشارکت سازمان ملل متحد ترتیبات امنیتی قابل اعتمادی در منطقه به وجود نخواهد آمد. وی در تهران با ولایتی دیدار کرد و یکی از اهداف سفر من به تهران مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی در منطقه و آینده عراق است. او گفت: شوروی در مورد امنیت در منطقه و تحولات آن بی تفاوت نیست و با توجه به پیوندهای محکم و مواضع نزدیک دو کشور ایران و شوروی دلایل زیادی وجود دارد که دو کشور اقدامات همسان داشته باشند، زیرا که منافع ملی دو کشور مطابقت و پیوندهای بسیاری دارد. ولایتی نیز در این دیدار سخنان مشابهی بر زبان آورد.

ارتشهای سوریه و مصر هوامل اصلی آن خواهند بود و بعنوان نیروی هربی حافظ صلح، وظیفه امنیت و صلح در منطقه را برعهده خواهد داشت و قرار است جای قوای بیگانه در خلیج فارس را بگیرد. در این طرح امنیتی هیچ گونه نقشی برای حکومت اسلامی ایران در نظر گرفته نشده است.

سفر حبیبی و ولایتی

به دمشق

به دنبال اعلام توافق ۸ کشور هربی، رژیم جمهوری اسلامی شتابزده نمایندگان خود را راهی دمشق کرد. حسن حبیبی معاون اول رفسنجانی و علی اکبر ولایتی چند ساعت پس از آنکه نمایندگان کشورهای هربی "گروه دمشق" سوریه را ترک کردند وارد آن کشور شدند و با مقامات بلندپایه سوری ملاقات نمودند. به گفته خبرگزاری جمهوری اسلامی هیئت ایرانی طی دوروز گفتگو با عبدالحمید خدام معاون حافظ اسد مهمترین مسایل منطقه، بحران خلیج فارس و ساختار امنیتی منطقه را مورد بحث قرار دادند. حبیبی در فرودگاه دمشق گفته بود هدف از این مسافرت هماهنگ ساختن اقدامات دو کشور پیرامون مسایل منطقه ای و مسایل داخلی عراق می باشد. نمایندگان جمهوری اسلامی در این سفر نگرانی خود از تشکیل پیمان امنیتی ۸ کشور هربی را به مقامات سوریه اعلام کرده اند. پاسخ اعلام شده خدام به این ابراز نگرانی آن بوده است که شرکت کنندگان در اجلاس دمشق اهمیت و نقش جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده اند! حضور سوریه در این پیمان که تمایل و وابستگی آن به آمریکا آشکار است، جمهوری اسلامی را در موقعیت دشواری قرار داده است. حکومت تهران نه قادر است در این پیمان نقشی را برعهده بگیرد و نه با پیوستن سوریه متحد قدیمی خود به آن می تواند محور قابل اتکای دیگری در مقابل آن ایجاد کند. و از این دو از تشکیل آن به شدت ناراضی است.

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه تهران در هفته گذشته، طی سخنانی که واکنشی غیررسمی به پیمان دمشق بود، این نارضایتی را بطور غیرمستقیم بیان داشت و هرگونه طرح امنیتی آمریکایی را رد کرد و از تمام کشورهای منطقه خواست که موضع جمهوری اسلامی را محور حرکت های خود قرار دهند. وی گفت: ما شکی نداریم امنیتی را که ما می خواهیم با امنیتی که آمریکا می خواهد فرق دارد. آنها امنیتی را می خواهند که منافعیان تأمین شود ولی ما دنبال امنیتی هستیم که حق مردم منطقه صالح کشورها را در نظر باشد.

جمهوری اسلامی طی هفته گذشته علاوه بر فرستادن نمایندگان خود به سوریه دیپلماتی فعالی را در جهت پیشبرد سیاست مورد نظر خود در

بقیه از صفحه ۱

وضعیت منطقه

هرب بگویند سازش آنها با آمریکا نقطه خطر حل مساله فلسطین بوده است و آنها با این سازش به آرمان های ناسیونالیستی هرب خیانت نکرده اند. آمریکا به این روانشناسی توجه دارد و برای این که احساسات ضدآمریکایی را بخواباند پیگیرانه می کوشد آنچنان راه حلی را برای مساله فلسطین بیابد که بدون دادن امتیازی به فلسطینیان خود نقش ناجی صلح در منطقه را ایفا کند و این گونه وانمود سازد که دوست اعراب است و اگر اعراب از در دوستی با آمریکا در آیند همان جایگاهی را در نزد واشینگتن می یابند که اسرائیل حائز آن است. موفقیتی در این راستا علاوه بر داشتن مصرف منطقه ای برای پز جهانی تازه آمریکا نیز لازم است. آمریکا از این پس می خواهد در سطح جهان هم زاندارم باشد هم مدعی العموم و هم قاضی.

منطقه برای استقرار یک صلح آمریکایی برای یک دوره شاهد دیدارها و مذاکرات دیپلماتیک پیپی خواهد بود. مساله فلسطین اما در نهایت دست نخورده باقی خواهد ماند چرا که هر طرحی که منافع استراتژیک آمریکا و اسرائیل را اساس قرار دهد و رژیم های آمریکایی هرب را نماینده اعراب بشناسد و تصمیم گیری در مورد فلسطینیان را از طریق کنار نهادن نماینده خود فلسطینیان انجام دهد در بهترین حالت فقط می تواند وضعیت موجود را تداوم بخشد.

آینده عراق

وضعیت موجود را فقط یک چیز می تواند برهم زند و آن هم تغییری اساسی در روانشناسی و فرهنگ سیاسی جنبش های هربی است. و هنوز روشن نیست که شکست ماجراجویی های صدام حسین چه تاثیری بر روان اعراب نهاده است.

عده ای پیش بینی می کنند که از این پس جنبش های هربی بیش از پیش رنگ اسلامی خواهند گرفت و حرکت های ضدآمریکایی، ضداسرائیلی و ضد رژیم های وابسته هرب تا مدتی زیر شعارهای خمینی مآبانه پیش خواهد رفت. اگر چنین شود جنبش های هربی فقط محکوم به آئند که دور باطل همیشگی خود را طی کنند: تب ۴۰ درجه و بعد سردی مرگ. بدون درس گیری از گذشته، بدون انتقاد از خود و بدون پاکبازی عنصر دمکراتیک در فرهنگ سیاسی هرب.

جنبش های هربی به شدت از یکدیگر تاثیر پذیرند. اکنون باید دید که در کدام کشور هربی تحولی صورت می گیرد و این تحول چه سان بر روی دیگر کشورها تاثیر می نهد. ظاهرا اکنون عراق بیش از هر کشور هربی دیگری در آستانه تحول قرار دارد. اپوزیسیون رژیم صدام حسین فعال شده و گفته می شود که در ۲۵ شهر عراق خیزش صورت گرفته است.

بقیه از صفحه ۱

بازگشت

مشکلات موجود بر سر راه بازگشت بدون مشکل پناهندگان را از سر راه بردارد، بایستی به گونه ای کاملاً متفاوت با آنچه که تاکنون در پیش گرفته است عمل کند.

واقعیت آن است که ۱۳ سال اختناق و سرکوب و شکنجه و اعدام در کشور ما به وحشیانه ترین شکل آن حاکم بوده است و سرکوب خشن و سلب آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی، نه اقدام خودسرانه گروهی، بلکه به قانون زندگی جمهوری اسلامی مبدل شده و در مصوبات قانونی آن نیز بازتاب داده و تبصره ای یافته است. هنوز

این دیدار مواضع جمهوری اسلامی و اتحاد شوروی نسبت به مسایل خلیج فارس را بیش از پیش نزدیک ساخت. گرمای روابط تهران مسکو که از مدتی پیش آغاز شده، پیش از همه ناشی از این واقعیت است که هر دو کشور متحدان سابق خود در منطقه را از دست داده اند و بخاطر موضع مشابه در مخالفت با نقش بلامنارح آمریکا در منطقه بیش از همیشه به یکدیگر نیاز پیدا کرده اند.

"صفحه ای نوین"

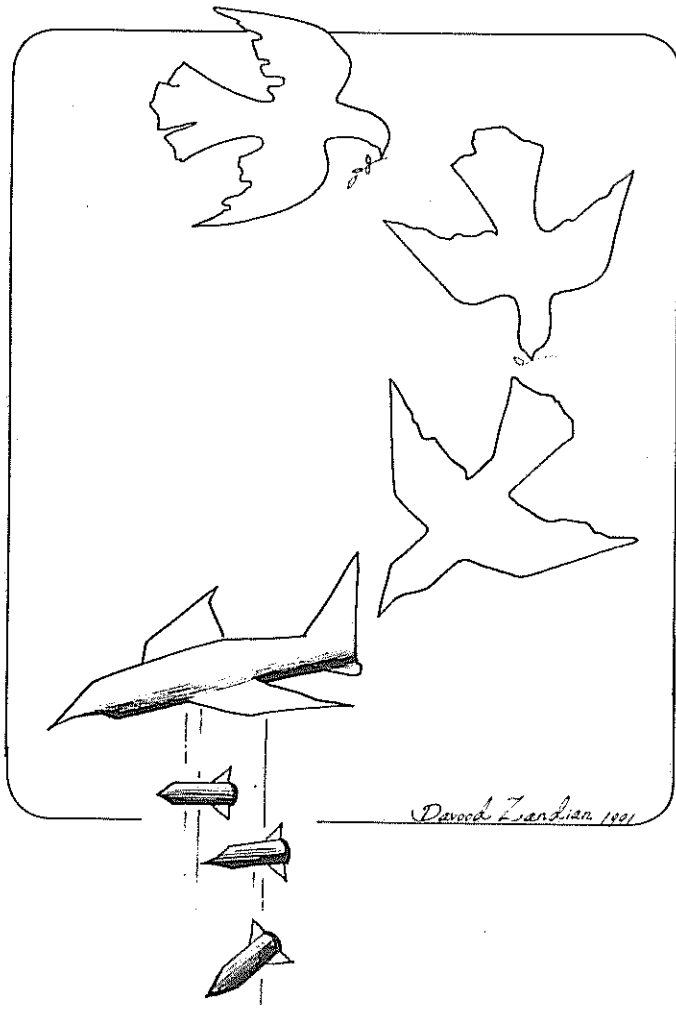
در رابطه با عربستان

دولت رفسنجانی همزمان با فعالیتهای دیپلماتیک و مذاکرات خود با کشورهای اروپایی و شوروی به احیای رابطه با کشورهای هربی منطقه نیز ادامه

توده زنان جامعه ما در معرض تهاجمات دستجات "مرگ بر بی حجاب" هستند و گشت های امر به معروف و نهی از منکر در اجرای قوانین مصوب مجلس آخوندی خیابانها را در قرق خود دارند. هنوز جوانان کشورمان از هیچ چشم انداز و آینده اطمینان بخشی برخوردار نیستند و میزان استفاده آنان از امکانات اجتماعی مستقیماً با درجه وابستگی شان به رژیم مربوط است و طبق قوانین رسمی مصوب مجلس حتی صندلی های دانشگاهشان به رزمندگان و حزب الله اختصاص داده می شود. هنوز احزاب و نیروهای سیاسی مخالف رژیم و حتی مخالفین نیم بند رژیم نیز از هیچ گونه حق بیان و آزادی فعالیت سیاسی

می دهد. روز یکشنبه گذشته هاشمی رفسنجانی در دیدار با سفیر ایران در کویت از اظهارات ملک فهد پادشاه عربستان در تمایل به تجدید رابطه با جمهوری اسلامی استقبال کرد. وی روند فعل گسترش رابطه با کشورهای هربی خلیج فارس را رضایت بخش خواند و گفت: مواضع جدید عربستان راجع به ایران را، آغاز تصحیح اشتباهات گذشته و تلاش برای گشودن صفحه ای نوین در روابط دو جانبه تلقی می کنیم. به دنبال این اظهارات ملک فهد مجدداً آمادگی خود برای از سرگیری رابطه با جمهوری اسلامی را اعلام کرد. وی طی سخنانی که از رادیو ریاض پخش شد گفت: ایران یک کشور مسلمان همسایه است که مسایل متعددی عربستان را با آن کشور مرتبط می سازد و من یکبار دیگر می گویم که پشتیبانی عربستان از عراق به خاطر آن نبود که عراق بر ایران پیروز شود.

کردها و شیعیان دو پای اصلی این خیزش ها هستند. تلاش های پشت پرده صدام حسین برای سمیم کردن ظاهری شیعیان در قدرت شکست خورده و گارد ویژه وی به شدت مشغول قلع و قمع اپوزیسیون است. چشم انداز های یک انقلاب توده ای در عراق وجود ندارد و در همین حال رژیم بعث در آستانه زوال قرار گرفته است. آمریکا خوش ندارد که کردها قدرت یابند و همچنین از قدرت گیری جنبش اسلامی در عراق ناخشنود است. بروز یک کودتا تا حدی که صدام حسین را کنار زندی آن که ساخت قدرت در عراق را تغییر دهد، حالت ایده آل برای واشنگتن و رژیم های متحد آمریکا در منطقه است.



جمهوری اسلامی در آلمان و نه معاون سیاحتی وزارت ارشاد اسلامی، هیچ کدام آن مرجع قانونی جدی که بتوانند خواست مهاجرین را جامع عمل ببخشند و اطمینان آنان را برای بازگشت "بدون مشکل" جلب کنند، نیستند. این برعهده قوه مقننه و قوه قضائیه است که با لایحه قوانین ضد دمکراتیک موجود و تصویب قوانینی جدید به خواست مردم و اکثریت عظیم مهاجرین دایر بر برقراری دمکراسی در کشور و به رسمیت شناختن حقوق دمکراتیک فردی، اجتماعی و سیاسی مردم ایران گردن نهند و با اجرای آن در عمل اطمینان میلیونها مهاجر را برای بازگشت به کشور فراهم سازند.

برخوردار نیستند و هر صدای اعتراض و حتی انتقادی نسبت به سیاست های خانمان برانداز رژیم با شلاق و شکنجه و زندان و اعدام پاسخ گفته می شود. هنوز سرنوشت ۹۰ نفر افرادی که تنها یک نامه اعتراضی خطاب به رفسنجانی را امضا کرده بودند و بخشی از آنها هنوز در سپاه جلالی رژیم بسر می برند، از اذهان مردم زنده نشده است. آیا لازم است باز هم به شمردن این واقعات دردناکی که از اصلی ترین هوامل مهاجرت میلیون ایرانیان به خارج کشور هستند، ادامه دهیم؟ باین وصف و عده های معاون سیاحتی وزارت ارشاد اسلامی نه نوبد بخش است و نه می تواند جدی تلقی شود. واقعیت آن است که نه سفارت

آمریکایی، که قطعاً یکی از هدف های همه آن مبارزه با بنیادگرایی اسلامی است باشد. هر چند دولت رفسنجانی سعی بسیاری کرده و می کند که این دافی که توسط خمینی برچهره حکومت اسلامی کوبیده شده را پاک کند و مناسبات خود با کشورهای منطقه را بهبود بخشد و چهره ای مورد قبول در نزد امریکاییان ارایه کند، اما رسیدن به چنین مقصدی نیز نمی تواند به معنای تبعیت از سیاست های آمریکایی در منطقه باشد. مجموعه تلاش های فعلی حکومت تهران برای برقراری سیستم مورد نظر خود در منطقه با تشکیل پیمان دمشق که آشکارا سمت و سوی آمریکایی دارد یک شکست جدی متحمل شده است، شکستی که نشان دهنده امکانات ناچیز برای صدور انقلاب در میان کشورهای مسلمان منطقه است و به هیچ وجه نمی تواند حاضر به پذیرش نقش درجه دوم در یک سیستم

آینده تلاش های

جمهوری اسلامی

تلاشهای گسترده و چندجانبه جمهوری اسلامی برای مقابله با طرح امنیتی آمریکایی در منطقه از واقعیت تضادهای هنوز همیق جمهوری اسلامی با آمریکا ناشی می شود. حکومت تهران به دلیل عوامل متعدد ایدئولوژیک و سیاسی خواهان احراز نقش سرکردگی در منطقه برای پیشبرد سیاست های خود و بخصوص بنیادگرایی اسلامی و یا صدور انقلاب در میان کشورهای مسلمان منطقه است و به هیچ وجه نمی تواند حاضر به پذیرش نقش درجه دوم در یک سیستم

قانون کار...

روند تصویب این قانون

باستقراطی شاه، مبارزه برای تدوین یک قانون کار جدید بمنابۀ یکی از فرصت‌های اصلی مبارزه حول عدالت اجتماعی در دستور روز قرار گرفت. تأثیر منفی و مخرب جنگ ایران و عراق و تشدید تضیقات علیه آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم، سیطره استبداد مذهبی را تسریع و روند تدوین یک قانون کار مترقی را بشدت تخریب کرد. تابان‌جاکه ارتجاع حاکم، زمینه را برای تعرضی گستاخانه به جنبش حقوق کار و تحمیل یک قانون کار فوق‌ارتجاعی فراهم دید و پیش‌نویس قانون کار توکلی، در دستور تصویب قرار گرفت. اما مقاومت گسترده کارگران و نیروهای چپ و دموکراتیک جامعه در برابر آن، رژیم را وادار به عقب‌نشینی کرد و طرح "صد در صد اسلامی" توکلی به‌مرحله خوداکنار گذاشته شد.

مطالبه کارگران و خواست نیروهای چپ، تدوین یک قانون کار مترقی بود. اما در درون نیروهای حاکمه نیز کشاکشی جدی بر سر چگونگی انطباق حقوق کار بر احکام اولیه و ثانویه اسلامی جریان داشت. باوجود آنکه شخص خمینی در پائیز سال ۶۱، در دعوی میان مجلس و شورای نگهبان، عملاً جانب شورای نگهبان را گرفت و تصویب موارد مربوط به استفاده از احکام ثانویه را منوط به رای حداقل ۲/۳ نمایندگان مجلس کرد، اما مقتضیات جامعه سرمایه‌داری ایران و حضور افاض‌ناپذیر جنبش قانون کار، مجالی برای تعبیر خوابهای هذیان‌آلود متحجران باقی نگذاشت.

از سال ۶۲، شالوده تدوین "قانون کار اسلامی" از احکام اولیه و "اصل تراضی" و "باب اجاره" و نظایر آن، عمدتاً به احکام ثانویه و "شروط الزامی" ضمن عقد تغییر کرد، لایحه قانون کار پیشنهادی سرحدی زاده در بهمن ماه ۶۲، از چنین خصوصیتی برخوردار بود. بدین ترتیب، در رژیم جمهوری اسلامی، نخستین پیش‌نویس مقرون به مناسبات متعارف و بورژوازی در عرصه حقوق کار، تدوین شد. لایحه قانون کار بهمن ۶۲ و اردیبهشت ۶۳ دولت، کاملاً بی‌توجه به جهت فاصله‌گیری از احکام شرعی و انطباق با فرهنگ و اقتضای جامعه ایران، اما مخالفت شورای نگهبان با لایحه دولت که مصوبه مجلس نیز شده بود، قانون‌گذاری در این عرصه را به بن بست کشاند. در پائیز ۶۴، وزارت کار برای خروج از این بن بست، طی یک استفتاء به خمینی متوسل شد و پاسخ خمینی این بار برخلاف سال ۶۱ چنان بود که گفته ترازو را بسود مجلس و دولت سنگین تر کرد. اما در هر حال، کشاکش طرفین، از زمان صدور این فتوی تا تصویب نهایی این قانون، ۳ سال طول کشید. بدین ترتیب، نخستین قانون کار رژیم جمهوری اسلامی بتصویب رسید.

وجوه مثبت این قانون

نکات منفی و پاره‌ای تناقضات این قانون در مقایسه با لایحه سال ۶۲ و ۶۴ نیز مصوبه سال ۶۵ مجلس کاهش یافته و نسبت به قانون کار زمان شاه نیز -بجز در عرصه حق تشکل- برتری‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. مواد ۱ و ۴ این قانون، دامنه شمول آنرا به همه واحدهای کار بسط می‌دهد. باین ترتیب همه کارگاهها و موسسات تولیدی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، ساختمانی، تجاری، خدماتی، ترابری، اماکن عمومی و امثالهم، زیر پوشش قانون کار قرار می‌گیرند. تبصره ۱ ماده ۱۳ برخلاف پیش‌نویس‌های قبلی، مطالبات کارگر را جز "دیون ممتازه" کارفرما محسوب کرده است. در عرصه حقوق رفاهی، حقوق صنفی ویژه کارگران زن و نوجوان و نیز مرخصی‌ها و تعطیلات، این قانون بطور چشمگیری از قانون کاری که تاکنون اجرا می‌شده است (قانون کار زمان شاه)، متمایز است. تناقضات و نکات منفی این قانون در عرصه قرارداد کار و نیز اخراج کارگر، در مقایسه با لایحه قبلی و قانون کار رژیم شاه تاحدی تعدیل شده است. اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) بعنوان روز کارگر و روز تعطیل رسمی کارگران پذیرفته شده است. و بالاخره نام این قانون نیز از قانون کار اسلامی به قانون کار جدید تغییر یافته است.

تناقضات و ایرادات اصلی

آنچه راکه اشاره کردیم، ارزش‌گذاری این قانون در قیاس با لایحه و مصوبات پیشین بود، اما در مقایسه با یک قانون کار مترقی، این قانون، حاوی ایرادات جدی و اساسی است. این ایرادات کدامند؟ - حق برخورداری کارگران از تشکل صنفی مستقل، بدون استثناء، در همه پیش‌نویس‌ها و لایحه قانون کار جمهوری اسلامی از جمله قانون کار جدید، بنحو گستاخانه‌ای نقض و پایمال شده است. تشکل صنفی مستقل، تشکلی است که با انتخاب آزادانه و مستقیم‌توده کارکنان برپا گردد. در ترکیب نمایندگان، نماینده کارفرما و دولت شرکت نداشته

بقیه از صفحه ۱

باشد. اساسنامه تشکل بتصویب مجمع عمومی آن برسد. عوامل کارفرما و دولت در هیچیک از مراحل انتخابات و یا تصویب اساسنامه، مداخله نکنند و وزارت کار تنها پس از برپائی این تشکل اقدام به ثبت آن کند. و بالاخره تنها، مجمع عمومی، حق ایجاد و انحلال تشکل را دارا باشد نه مدیریت یا وزارت کار. اما این قانون همانند لایحه قبلی همچنان بر مشروعیت شوراهائی که بر مبنای قانون شوراهای اسلامی کار باید شکل گیرند، تأکید دارد.

مطابق ماده اول قانون شوراهای اسلامی کار، شورا از نمایندگان کارکنان و نماینده مدیریت تشکیل می‌شود. در ماده ۲ وزارت کار، بی‌توجه به تشخیص رای کارگر، شرایط انتخاب شونده را برای او تعیین کرده و تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورا را از کارگران و کارمندان سلب کرده است. ماده ۳، نظارت بر انتخابات شوراهای را برعهده وزارت کار نهاده و ماده ۴، حق انحلال شوراهای وظیفه "هیأت تشخیص انحراف و انحلال شوراهای" دانسته و نمایندگان شورا را نه در برابر مجمع عمومی بلکه در برابر همین هیأت تشخیص کذا مسئول دانسته است.

روشن است که تشکل‌های صنفی نیاز به اساسنامه دارند نه به قانون (آنهم قانون شوراهای) و تصویب اساسنامه نیز همچنانکه گفتیم جزء حقوق مجمع عمومی هر واحد است نه حق وزارت کار، دولت و یا شوراهای نگهبان.

تصویب قانون کار جدید می‌بایست با لایحه قانون شوراهای اسلامی کار و آئین‌نامه‌های اجرایی آن همراه می‌شد نه با تأیید بی‌کم و کاست آن و یا حتی حفظ ضمنی و تلویحی مضمون آن.

- یکی دیگر از جلوه‌های بارز غیردموکراتیک بودن قانون کار جدید، برخورد آن با آزادی‌های سندیکائی بویژه حق اعتصاب است. برخورداری کارگران از حق اعتصاب، در کنار سایر حقوق دموکراتیک و آزادی‌های سندیکائی نظیر حق تشکل، حق برخورداری از مطبوعات سندیکائی و غیره به کارگران امکان می‌دهد تا در صورت پایمال شدن حقوق صنفی‌شان از جانب کارفرما و دولت، قانوناً به اعتصاب متوسل شوند. در قانون کار جدید نه تنها از حق اعتصاب سخنی بهمان نیامده بلکه کلمه اعتصاب نیز تنها در قالب مضامینی چون "کاهش همدی تولید از سوی کارگران" و "تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه"، مورد اشاره قرار گرفته است. (ماده ۱۴۳). این قانون به هیأت وزیران اختیار داده است که جهت متوقف کردن اعتصاب، کنترل کارگاه را "بهر نحوی که مقتضی بداند" بهعهده گیرد. در جمهوری اسلامی نیز معنای توسل به اقدام مقتضی برای مقابله با اعتصاب، روشن و بی‌نیاز از تفسیر است.

- این قانون کار، نه تنها حق تشکل را با تکیه بر قانون شوراهای اسلامی کار، پایمال کرده، بلکه فراتر از آن، با حفظ ماده مربوط به روابط انجمن‌های اسلامی در فصل مربوط به تشکل‌های کارگری، تخطی به حقوق سندیکائی و اهانت به کارگران را مضاعف کرده است. انجمن‌های اسلامی بمنابۀ چشم و گوش وزارت اطلاعات و سپاه در کارخانجات، کارنامه‌های جز فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی در صفوف کارگران نداشته‌اند. گنجاندن انجمن‌های اسلامی در فصل مربوط به تشکل‌های کارگری، اهانت آشکار است به کارگران. مطالبه و نیاز طبقه کارگر انحلال انجمن‌های اسلامی است نه رسمیت قانونی یافتن آنها، آنهم بمنابۀ تشکل کارگری در چارچوب قانون کار!

قانون‌گذاران جمهوری اسلامی با نقض آشکار حق تشکل صنفی مستقل و تثبیت مشروعیت انجمن‌های اسلامی، فی‌الواقع، سنگ را بسته و سنگ را گشوده‌اند. ماده ۱۷ قانون کار جدید نیز مجوز "قانونی" دیگری برای سرکوب کارگران معترض و پایمال کردن حقوق آنهاست. طبق این ماده، کارگری که توسط عوامل رژیم توقیف می‌شود، حتی اگر بازداشت او به محکومیت وی منجر نشود نیز قرارداد کار او تعلیق می‌گردد و حقوق و فرامت ایام بازداشت به او پرداخت نمی‌شود. این ماده، رسماً دست ارگانهای سرکوبگر رژیم را در سلب امنیت قضائی و نقض بدیهی‌ترین حقوق صنفی کارگران باز می‌گذارد.

* * *

علاوه بر موارد فوق، ایرادات قابل ذکر دیگری را نیز میتوان برشمرد. از جمله اینکه تدوین‌کنندگان این قانون سعی کرده‌اند در مواد ۳۴ و ۳۵ با طرح اصطلاحاتی چون "حق السعی" یا "مضمونی متمایز از "مزد" و ارائه تعاریفی ساختگی، مفهوم دستمزد را مخدوش کنند. تعاریف به‌گونه‌ایست که گویا مزد و حقوق یک چیز است و "مزایائی" چون کمک هزینه‌ها، حق خواروبار، سود سالانه و نظایر آن یک چیز دیگر. آنها باین ترتیب می‌کوشند این حقیقت را بپوشانند که انواع این "مزایا" خود اجزائی از دستمزد واقعی کارگران است نه

گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند)

روز جهانی زن

از خانه‌ای که سالها آن را رفته و روبیده‌است، برمیانه اطاق آن سفره پهن کرده و کودکان خود را دور تادور آن نشانداده‌است، در گوشه اطاق گهواره کودک را به نوسان درآورده، در کنار حوض چنگ بر رختجای چرک‌زده و آنها را به پاک‌ی قلب خود ساخته است. در کنار رختخواب فرزند لباسهای کهنه را وصله دوخته است، رانده شده

است بی آنکه حق حضانت و نگهداری فرزندان را داشته باشد آری این مادر همه میهن ماست که چنین رنج می‌کشد و ستم می‌برد بی آنکه هیچ پشتیبان قانونی داشته باشد و یا مورد حمایت قرار گیرد. پایمال نمودن حقوق زنان، حتی ابتدائی‌ترین حقوق آنان، یکی از ویژگیهای بارز حکومت فقه‌است.

در پرتو سیاستهای زن‌ستیزانه فقه‌است که امروز ثبات خانواده در میهن ما در معرض مخاطرات جدی قرار گرفته است. آمار طلاق به موجب اعتراضات رسمی مقامات جمهوری اسلامی هر روز افزایش بیشتری می‌یابد و در عوض صیغه و عقد موت - که چیزی جز اشاعه رسمی فحشاء در کشور نیست - شب و روز تبلیغ می‌شود. سن قانونی ازدواج برای دختران پائین آورده شده است و در عوض در راهی دانشگاهها و مراکز کار هر روز بیشتر و محکم‌تر از روز پیش بروی آنان بسته می‌شود. حقوق نابرابر در انتخاب همسر و در عوض تفویض حق طلاق یک‌طرفه به مردان جنبه قانونی یافته است. تعدد زوجات مورد حمایت قانونی قرار دارد و در عوض حق

بقیه در صفحه ۲

دیگری مربوط می‌شود؛ شورای اسلامی کار، تشکل مربوط به واحدهای بزرگ تولیدی و خدماتی است، انجمن صنفی مربوط به کارگاههای کوچک و صنوف و نماینده کارگران هم گویا برای واحدهای ساختمانی و کشاورزی، این "بدعت" در نام‌گذاری، جز اینجادر قانون کار هیچ کشوری سابقه ندارد. اگر قانون‌گذاران، ریگی به کفش نداشتند میتوانستند تنها روی یک واژه (سندیکا، یا اتحادیه و یا همان انجمن صنفی) تکیه کنند و بیش از این آب را گل آلود و اذهان را مشوب نکنند.

* * *

و بالاخره، نکته قابل تأکید دیگر در رابطه با این قانون، مساله ضمانت اجرائی آنست. حتی طلائی‌ترین قوانین نیز چنانچه ضمانت اجرائی نداشته باشند در حد کتاب دعا تنزل خواهند کرد. در قانون کار جدید مفادی وجود دارد (از جمله در رابطه با تعطیلات، مرخصی‌ها و حقوق صنفی - رفاهی) که ثمره مبارزات چندین ساله طبقه کارگر است. همین حقوق تثبیت شده نیز برای اینکه فقط بر روی کاغذ نماند، نیاز به ضمانت اجرائی دارد. برای اجرای این مفاد، تعهد قانونی دولت کفایت نمی‌کند. بدون وجود تشکل‌های مستقل و متکی به کارگران، هیچگاه حقوق و مطالبات قانونی آنان ضمانت اجرائی لازم‌رآپیدانمی‌کند.

مساله حق تشکل، مرکز ثقل و مهمترین مقوله قانون کار است. یعنی همان چیزی که در قانون کار جدید و قانون شوراهای اسلامی کار بطرز گستاخانه‌ای پایمال شده است. این مساله اینکه، هم از زاویه حقوق صنفی و دموکراتیک کارگران و هم از نظر تضمین اجرای مفاد مثبت این قانون، بطور جدی مطرح است. بنحوی که میتوان گفت این خلا، حقوقی و اجرائی، ناموجه‌ترین بخش قانون کار جدید و پاشنه آشیل آنست.

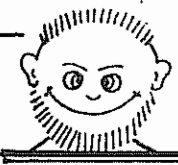
پیش از آنکه آفتاب طلوع کند، مادر خواب نوشین را بر خود حرام می‌سازد. در تاریک روشن صبحگاهی پاورچین از کنار بستر کودکان خفته‌اش می‌گذرد. لحافش را که پسر رفته است بر تن کز کرده از سرمای کودک می‌کشد. زلف پریشان دخترکش را از پیشانی پس می‌زند و بوسه گرمی را جایگزین آن می‌سازد. به صدای تنفس آرام کودکان فرق در خواب گوش می‌خواباند و لبخندی حاکی از رضایت بر لب می‌آورد. "از شیر جانم نوشیده‌اند، در میان دستانم پرورش یافته‌اند، بالالائی گرم ضربان قلب پر مهرم، سر در آغوشم نهاده و به خواب رفته‌اند، خوشترین خاطراتشان آواز گرم دل‌انگیز و سکرآور لالاهای زمزمه‌وار شانام بوده‌است. با همین دستهایم جان و روحشان را پرورده‌ام. من مادرم!" به آتش خانه می‌رود، سماور را روشن می‌کند تا وقتی که برمی‌گردد جای گرم آماده باشد. چادر بر سر میکند و از خانه بیرون می‌رود، به کجای می‌رود؟ می‌رود تا روز پرتلاش و پررنج دیگری را آغاز نماید. می‌رود تا به خیل مادران دیگر بپیوندد. خود را به اولین صف می‌رساند و جای خود را به آخرین نفری که بصورانه در انتظار نوبت خود پا به پامی‌شود، می‌سپارد. به طرف صف گوسف می‌دود. از صف به گوسف به صف نان و از صف نان به صف مرغ. اکنون دیگر آفتاب سرزده است. فوفای یکنواخت موتور ماشین‌ها فضا را انباشته‌اند. مادر با نان گرم و شیر خنکی که در زنبیل دارد به خانه برمی‌گردد. می‌دود تا کودکان خویش را رهسپار

پادشاهی اضافه بر آن، مضافاً اینکه تمام اینها یعنی حقوق و مزایا، بخشی از دستمزد واقعی کارگران است که به آنها پرداخت می‌شود. نه تمامی آن.

قانون کار جدید همچنین در فصل مربوط به قرارداد کار، استخدام موقت را بطور کلی جایز شمرده است. استخدام موقت یکی از مشکلات جدی کارگران، بویژه در واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی است. کارفرمایان برای گریز از استخدام دائمی کارگران، آنان را با قراردادهائی ۷۵ روزه یا ۸۹ روزه بکار می‌گیرند و بعد همان کارگران را کارگری جدیدی را با همان شرایط مجدداً "استخدام" می‌کنند. حال آنکه قانون کار می‌باید کارفرمایان را از استخدام موقت کارگران، در مشاغلی که خلعت دائم دارند، منع کند.

علیرغم تعدیلاتی که در مضمون ماده ۲۷ و تبصره‌های آن در رابطه با امنیت شغلی کارگران و ضوابط اخراج صورت گرفته، یک ایراد مهم در این زمینه، همچنان برجاست و آن اینکه "اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار" در مورد اخراج کارگر، تضمین قابل اتکائی در مقابل تصمیم کارفرمایانست. چون در غالب موارد، صلاحیت و مشروعیت خود شورای اسلامی کار نیز از جانب کارگران زیر سوال است. مضافاً اینکه در واحدهائی که فاقد انجمن صنفی یا نماینده کارگران است، ریش و قیچی در دست کارفرما و هیئت کذائی تشخیص خواهد بود.

اعتشاش آفرینی در مضامین و تعاریف مشخص نیز یکی دیگر از ایرادات عیدیه این قانون کار است. تدوین‌کنندگان این قانون، برای تشکل صنفی سه واژه مختلف (شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و نماینده کارگران) را اختیار کرده‌اند. هدف این نام‌گذاری کاذب، ایجاد افتشاش در ذهن کارگران و تلقین این استنباط است که گویا هر یک از این هئائین به تشکلی با مختصات معین و متمایز از



خوش خیال

مژده به مستضعفان

برادران گفت: "می‌توانیم افتخار کنیم نهاد مقدسی دست مستضعفین و محرومین را می‌گیرد و تمام وقت و امکانات خود را برای از بین بردن فقر و محرومیت به کار می‌گیرد" حتما کسانی پیدا خواهند شد و خواهند گفت که این هم که حرف چندان مهمی نبود، اما آنها بخود دنبال بهانه میگردند، رئیس جمهور ما اول این حرفها را زد تا بعدا حرفهای مهم ترش را بزند او بقض در گلو خبر داد که وضع اقتصادی مردم مسلمان در سایر نقاط جهان خیلی ناچور شده و بعد از قدر دانی از خدمات ارزنده‌ای که برادران کمیته امام برای رفع استضعاف در لبنان و افریقا به عمل آورده‌اند، به آنان فرمود که این فعالیت هایشان را در سراسر جهان توسعه دهند و یک تعاون جهانی سرهم کنند.

حالا می‌بروند بنشینند و بگویند در جمهوری اسلامی چنین است و چنان است، نیمی از مردم زیر خط فقر زندگی میکنند، محرومان محروم تر شده‌اند و... این کوردلان نمی‌دانند که ما به فکر رفع استضعاف در لبنان و افریقا و سایر جاهای جهان هستیم، آنچه که خیال ما را در اجرای این وظیفه اسلامی صدر صد راحت می‌سازد، همانا وجود برادر خوش‌نام حاج آقا هسگروالادی به عنوان نماینده حضرت رهبر انقلاب در راس برادران امداد است که خدماتش به مستضعفین و محرومین حتی مور تا بیاید دشمنان نظام ما هم هست. وجود یک چنین شخصیت مستضعف پروری بدون هیچ تردیدی عملیات بزرگ ریشه‌کن سازی فقر در سراسر بلاد اسلامی را آخرین موفقیت خواهد ساخت.

ما حمایت می‌کنیم!

ما امت خوش خیال ضمن حمایت کامل و قاطع از پیشنهاد براد شافعی، پیشاپیش هرگونه اعتراض احتمالی بقایای گروهک‌های وابسته و ورشکسته و زمره‌های شوم استکبار جهانی در مورد دخالت در امور دیگران و بهانه‌های نظیر را قاطعانه رد می‌کنیم. درست است که برادر ولایتی همین هفته پیش در دیدار با مسئولین همین همسایه شمالی دخالت هر کشوری در امور داخلی کشورهای دیگر را رد کرد، اما روشن است که فرمایشات وزیر خارجه اصلا مربوط به ما نمی‌شود و خطاب به دیگران است، زیرا ما امت واحده اسلام این مرزهای استعماری را قبول نداریم. جمهوری اسلامی عزیز ما مال همه مسلمانان و همه مسلمانان نیز مال جمهوری اسلامی عزیز ما هستند، و اما اگر علیرقم این باز هم اعتراضی باشد دیگر به رگ فیرت ما بر خواهد خورد، زیرا وقتی که مسایل دینی و مربوط به مسلمانان به میان آید، فیرت ما هرگز قبول نخواهد کرد که بنشینیم و به سیاست بازی سیاستمداران (حتی اگر برادران انقلابی خودمان باشند) گوش دهیم، نه خیر، ما کار خودمان را خواهیم کرد.

اما در این زمینه مشکلی وجود دارد، ما نه پول‌مان به اندازه سعودی‌های وهابی است که هدایای بسیار گزاف بدهیم (اقتدر هم که داریم قرار شده است خرج فقیر و بیچاره‌های لبنان و افریقا کنیم) و نه مثل ترک‌ها پشتیمان به ناتو و امریکا گرم است که بتوانیم روزنامه و مجله و نوار و ویدیویی در آنجا پخش کنیم. راهش این است که برای قر زدن این ۷۵ میلیون به سلاح شناخته شده ایمان متوسل شویم. چند واحد زنده از برادران پاسدار و کمیته و دایره منکرات را به فرماندهی صادق خلخالی (یا برادر هادی قفاری، فرق زیادی ندارد) روانه آن سوکنیم و الان هم که بحمدالله در بلاد کفر همه چیز خر تو خر است و تا آنها خواهند بخود بیایند، کار از کار گذشته و نه تنها کار ۷۵ میلیون مسلمان ساخته شده و همه به دین مبین ولایت فقیه گرویده‌اند، بلکه ترک‌ها و وهابی‌ها هم چنان توی سرشان خورده که تا سالها نتواند گردنشان را راست نگاه دارند.

خوش خیال

ما مستضعفانی که در لوی حکومت اسلام زندگی میکنیم، واقعا خوشبختیم که رهبری چنین دلسوز و رئیس جمهوری اینقدر غمخوار داریم. رهبر و رئیس جمهوری که دمی از فکر مستضعفان قائل نیستند و همه‌اش به دنبال بهانه میگردند که به جاو حتی بیجا از آنها یاد کنند و برایشان قصه‌های شیرین بگویند، خوشبختانه باز هم مثل همیشه مناسبتی پیش آمد که این دو موجود نازنین به دفاع از حقوق ما مستضعفین برخیزند، البته چنین دفاعی فقط بر حسب هادت - که هنوز مسئولان ما موفق به ترک آن نشده‌اند و ثواب آن دنیا است، زیرا در مملکتی که به فرمایش امام همه‌اش اسلامی است حقوق مستضعفان خود به خود تامین است و احتیاج به دفاع ندارد، باری، این مناسبت سالگرد تشکیل کمیته امداد امام خمینی بود. هم رهبر محبوب و هم بدنبالش رئیس جمهور شیرین زبان، برادران کمیته امداد را به نزد خود فراخوانند و حرفهایی به آنان زدند که ما بشنویم. این حرفها مشت محکمی بر دهان بقایای گروهک‌های ضد مستضعف فرود آورد و دندان‌های آنها را که بر اثر مشت‌های قبلی حسابی لق شده بود، باز هم لق تر کرد. اما آن حرف‌ها... در سخنان رهبر انقلاب چیز چندان مهمی نبود، یعنی همان حرفهای معمولی بود که بر همه واضح است و اصلا نظام اسلامی ما بر پایه آنها بنا شده است. حرف‌هایی مثل "ضرورت خدمت به خانواده‌های محروم" و "اجرای عدالت" که بحمدالله در کشور ما فراوان گفته میشود، اما رئیس جمهور خدمتگزار که تازگی‌ها هادت کرده است حرف‌های مهم را خودش به تنهایی بزند، در وصف

آدم و اقلانمی‌داند با چه زبانی به برادران مسئول و هلی‌الخصوص نمایندگان محترم مجلس اسلامی بگوید که اینقدر قصه مردم چهار گوشه دنیا را نخورید، آخرش مریض می‌شوید و کارهای ممکن امام زمان می‌ماند روی زمین. قصه مسلمانان افغانستان و لبنان و عراق و فلسطین و جاهای دیگر کم بود، حالا نگرانی مسلمانان شوروی هم به آن اضافه شده است، نگرانی تنها این نیست که مسلمانان آنجا در زیر حکومت کفر مسلمان بودندشان را از یاد برده بودند، نه، بحمدالله بدنبال وقوع انقلاب اسلامی و به خصوص به دنبال مکتوب تاریخ ساز امام خمینی به گارباچف، روح تازه‌ای در همه جاواز جمله مسلمانان شوروی دمیده شد و آنها را امیدوار ساخت و اکنون طبق مشاهدات دقیق برادر کریم شافعی نماینده محترم مرند در مجلس، حا نمی‌دانیم منشأ این مشاهدات در کجاست اما به احتمال زیاد این برادر عزیز توانسته است از طریق پشت بام خانه‌اش خیلی چیزها را در آن سوی مرز با دوربین تحت کنترل اسلامی قرار دهد. امروز اقلب مساجد در تمام جمهوری‌های مسلمان نشین باز گشایی شده و مملو از جمعیت است و پیام‌ها و سخنرانیها و عکس‌ها و سایر چیزهای امام سردست می‌رود. تا اینجا البته جای نگرانی ندارد، نگرانی، وجود این ترک‌ها و سعودی‌های وهابی است که می‌خواهند ثمرات انقلاب اسلامی و مکتوب امام را به اسم خودشان تمام کنند. برادر غمخوار نامبرده با قلبی پر در داین توطئه شوم را فاش کرد و گفت: "حکومت لائیک ترکیه و سعودی‌های وهابی در دو سال گذشته با صدها میلیون دلار سرمایه‌گذاری، اسلام اصیل را در معرض تهدید جدی قرار داده‌اند، ترک‌ها نوار و ویدیویی قران بین مسلمانان توزیع می‌کنند (این از خدا بی‌خبران عقلمندان نمی‌رسد که ویدیو در مملکت کفر وسیله ایست نادر و بسیار کمیاب که خیلی‌ها حتی اسمش را هم نشنیده‌اند، توضیح از بنده) و روزنامه و مجله منتشر می‌کنند و سعودی‌ها سعی می‌کنند مساجد را هدایای بسیار گزاف راه‌اندازی کنند و برای خودشان جای پای باز کنند و این در حالی است که ما در آنجا آنچنان که باید همت نکرده‌ایم. برادر شافعی پیشنهاد داده است برای رفع این بی‌همتی حوزه‌های علمیه، مراجع عظام، تبلیغات اسلامی، مجلس، دولت و سایر نهادهای اسلامی - انقلابی یک جوری به داد ۷۵ میلیون مسلمان در شوروی بر سند.

آشکارتر شده بود، تصمیم گرفت کشتی را با حذف ضمائم اضافی و کاستن از چیزی که "تعهدات در مقابل دوستان" خوانده می‌شد، سبک کند و یادادن امتیازات بزرگ در هر صه بین المللی، پشتیبانی طرف را برای خواباندن سر و صدای ملت‌های "یافتی" که سودای استقلال در سردارند و در جهت فلبه بر بحران رو به گسترش اقتصادی جلب کند.

بحران خلیج فارس بزرگترین میدان آزمایش برای گارباچف بود و او توانست نه فقط به داوران غربی که با هزاران چشم رفتارش را زیر ذره بین داشتند، بلکه به همه دوستان سابق شوروی هم تعلیم کند که "واقع بین" است و نه تنها در کار حریف سابق موش‌دوانی نمی‌کند، بلکه جواز قانونیت هم برایش صادر می‌کند و نه تلویحا، بلکه آشکارا می‌پذیرد که پسر خوبی باشد و در جهانی که ناظم و مبصرش بوش و بیکرند و فراشش شوار تسکوف، مثل بچه آدم زندگی کند.

به آن ترتیب، دنیای سوم در شرایطی آخرین دهه از قرن بیستم را آغاز می‌کند که شمال قدرتمند به رهبری آمریکا گردن نهاده و در جبهه شمال، نه نظمی چهار قطبی که اقتداری یک قطبی پدیدار شده است و از این پس بازی قدرتها فقط در چارچوب قواعدی مجاز است که رئیس تعیین می‌کند.

نظم دو قطبی سابق هر بدی که برای دنیا داشت، این حسن را هم داشت که آدمی مثل خمینی بتواند کارتر و ریگان را برقصاند و هیدی امین توفیق سواری به انگلیسیها را بیاید اگر راست باشد که سال نگو از بهارش پیداست، در این صورت باید گفت که به زودی به دستور ژنرال شوار تسکوف ماهواره‌ها تابلوی بزرگی را با این مضمون برپام گیتی نصب خواهند کرد که: "به فرموده، هرگونه مبارزه برای هدم وابستگی، اخلاص در نظم بین المللی محسوب شده، به باقی و باقی آن رسد که به صدام حسین رسید".

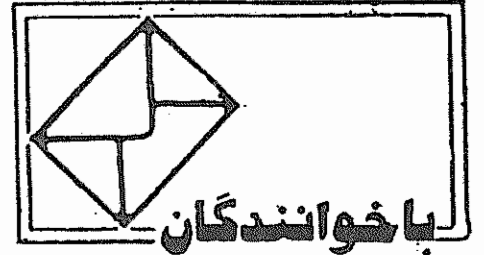
می‌گویند کفن دزدی در دم مرگ با خود اندیشید که عمری را گرفتار لعنت مردم بودم، کاری کنم که در آخرت بجای لعنت، بر من رحمت فرستند. پس پسر را بر بالین فراخواند و وصیت کرد که در ادامه شغل پدر، پس از رها کردن میت از شر کفن، چوبی نیز در ماتحتش فرو کند. فرزند خلف وصیت پدر را بجا آورد و جماعت هر زمان که عزیز متوفائی را در آن وضعیت دیدند، بی اختیار بانگ برآوردند که "رحمت به روان کفن دزد اول که لااقل چوب به آنجای مرده نمی‌کرد". حالا حکایت ما جنوبی‌های بی‌نوا و نظم جهانی است. اگر در نظم پیشین گرسنه و یا پتی و مقروض بودیم - که بودیم - لااقل می‌توانستیم از جمله به خاطر جنگ قدرتها، هر از گاهی یک دیکتاتور موجب بگیر، را ساقط و جایش را به دیگری بدهیم اما در جهانی یک قطبی که ناظمانش هفت تیرکشان آمریکائی باشند اگر بخواهیم دلمان را به تضاد اقطاب و بازیهای سنتی خوش کنیم، به نظر می‌رسد که به زودی فریادمان بلند شود که درود بر نظم پیشین و رحمت به روح کفن دزد اول؛ و برای آنکه چنین نشود، جنوب راه‌درازی را در مسیر وحدت و تشکیلات در پیش دارد.

گفته می‌شود بخش قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌های مالی اروپا را شامل می‌گردد. دیگر وزن سابق در معادلات عمومی را ندارد. نظر به همه اینها، اروپا نه می‌خواهد و نه می‌تواند آتالی کاخ سفید را زیر سوال ببرد. جنگ خلیج فارس این واقعیت پیش از این موجود را عیان ساخت.

ژاپنیهای دوراندیش پیش از آغاز جنگ خلیج، از زبان نخست وزیرشان اعلام کرده بودند که مایلند در دهه آغاز شده، در شرایطی که اروپا گرفتار مسائل خودش است، تحت رهبری آمریکا و به عنوان شریک دوم آنها فعالیت کنند. در آن هنگام انتظار ژاپن از آمریکاییان بود که در آرای پذیرش رهبری آمریکا و قبول تبعات همه جانبه آن از سوی ژاپن به این کشور، اجازه داده شود که به "همران و آبادی" آسیای جنوب شرقی و چین ادامه دهد و در این خطه از دنیا به عنوان حیات خلوت خود تربچه بکارد. در سایر نقاط دنیا هم تا آنجائی حضور داشته باشد که به ترش قبی ارباب بر نخورد. حالا با آنچه در خلیج گیر ارباب آمده، ژاپنی‌ها اگر بخواهند در خواسته‌های پیشین خود تجدید نظر کنند، قطعاً در جهت افزودن بر توقعات قبلی نخواهد بود.

می‌ماند شوروی و حدیث جان سوز آن! بحرانی که باعث شد تا گرومیگویی محافظه کار، گارباچف جوان را کاندیدای دبیر کلی حزب کند، اینرا هم به زهمای کرملین فهماند که دوران بازی به شیوه سابق پایان یافته است و اگر بیش از این در خم واقعیات جهان تاخیر کنند، ممکن است همه چیز بر باد برود. اوضاع آشفته اقتصاد و عقب ماندگی مدتها شوروی در هر صه تکنولوژی، رهبران کشور را به اینجا رساند که اگر شانس برای رهائی وجود داشته باشد، در جلب اعتماد رقیب و اخذ تکنولوژی و جذب سرمایه از غرب است و گارباچف پس از مدتی حکم فرمائی و چیزی که سنا "نبرد در هر صه تئوری" خوانده می‌شد جهت گیری به سوی غرب را به عنوان سمت گیری سیاسی اصلی خود آشکار کرد.

فرب از سمت گیری گارباچف "استقبال" کرد و بدون آنکه چیزی به رقیب دیرینه - و حالا درمانده - بدهد، ضمن اتخاذ شیوه "نمدمالی دوستانه" منتظر ماند تا ببیند طرف عقب نشینی را از کجا شروع می‌کند و مسکو پس از مدتی گربه بازی بر سر تسلیحات و عقب نشینی‌های نه چندان جدی در این هر صه، در شرایطی که شکنندگی مجموعه بقول آل احمد "لایتچسپک" ملل و دول رنگارنگ اتحاد شوروی هم



رحمت به

روح کفن دزد اول!

دور اول بازی تمام شد. بازی بطور کامل "یک گله" بود و بنابه گفته‌ها، بوش با کمتر از دو بیست کشته، ارتش صدام را که می‌گفتند پنجمین ارتش دنیاست، در هم شکست. فرمایش حضرت امام که فرموده بود "صدام به جز خودکشی راه دگر ندارد" حالا می‌رود تا متحقق شود و البته نه بدست لشکریان اسلام، بلکه بنابه اراده شیطان بزرگ.

بوش از کشته، پشته ساخت و از آمریکائی‌ها کارت آخرین گرفت. آنطور که می‌گویند ۱۵۰ هزار کشته و ۱۷۰ هزار اسیر در جنگی کوتاه مدت و حمایت ۹۱٪ از مردم ینگه دنیا، اولین نتایج هنرمائی جناب بوش است. خلف ریگان از دنیا نسق گرفت و حالا همه باور کرده‌اند که کشتی متلاطم دنیاراکشتی‌بان دگر آمد. نظم "نوینی" که جهان در انتظار تولدش بود، سرانجام در خلیج فارس، جایی که کسی فکرش را نمی‌کرد به قابلی صدام حسین متولد شود گفتن ندار دوزادی که قابله‌اش صدام و والدینش امثال بوش و فهد، باشند، نه پری زاده که قول بی‌شاخ و دمی است در هیبت جناب شوار تسکوف.

در خلیج فارس داده‌های کافی فراهم آمد تا بتوان نظم "نوینی" را تعریف کرد. اروپا که قرار بود تحت رهبری آلمان واحد، قطب نیرومندی در مقابل آمریکا باشد، همانطور که پیش‌بینی می‌شد، در دهه آتی بیش از پیش به خود مشغول خواهد بود. بن از بلعیدن سریع آلمان شرقی سابق دچار سوءاضامه شده است. ۵ میلیون بیکار، ورشکستگی وسیع و هزاران مشکل ریز و درشت دیگر، کار بازسازی را از آنچه پیشتر به نظر می‌آمد، دشوارتر کرده، افزایش مالیاتها زمینه فرولند گسترده آلمانی‌های ناخن خشک را فراهم آورده و مزید براینها حدود ۲۰ میلیارد مارک باج سبیل اهدائی به واشنگتن از بابت هنرمائی در خلیج - که ظاهرا از قبل پیش‌بینی نشده بود - برای دولت هلموت کهل قوز بالای قوز شده است. اروپا به رهبری بن بر فرض که از هضم آنچه تاکنون بلعیده فارغ شود، تازه الحاق اقتصادی لهستان و بقیه کشورهای اروپای شرقی و تحمیل تدارک استقبال از پری بالتیک را پیش رو دارد و این همه بیش از آن وقت و فرصت می‌خواهد که اروپا بتواند تا پیش از پایان قرن از خود فارغ شود و بر سر آتالی به جهان با واشنگتن چانه بزند. مضاف براینها سرمایه مالی هنگفت اروپا که حربه‌ای جدی در مقابل آمریکا به حساب می‌آمد، حالا بعد از تصرف منابع نفتی کویت و عربستان و مصادره سرمایه‌های شیوخ کویت این دو کشور - که

احمد زمانپور

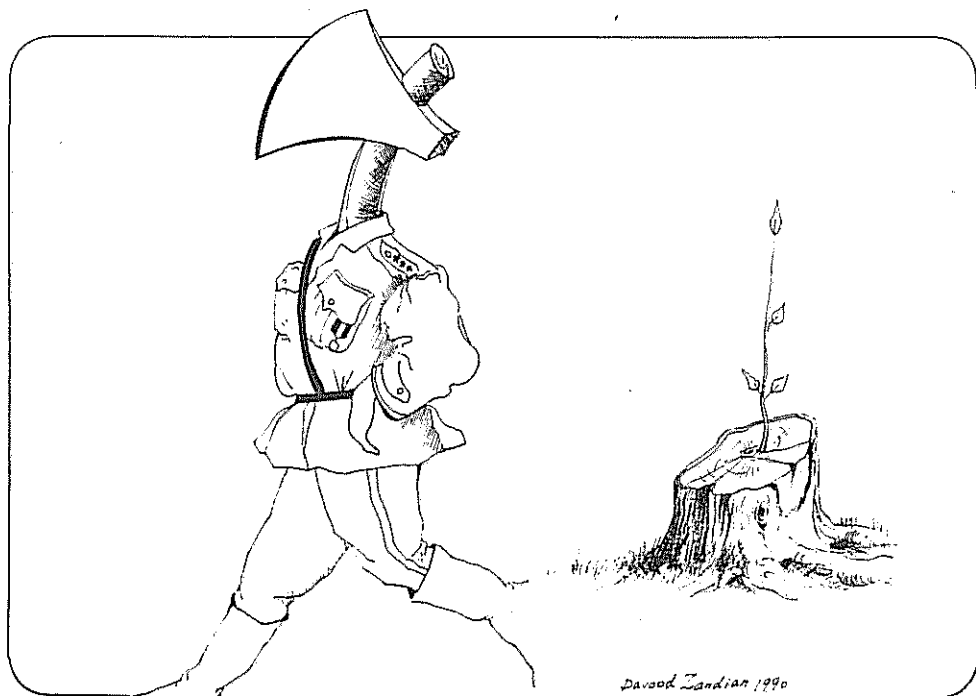
شیلی: گزارش ناقص از دوره مخوف خونت

فرماندهی کل ارتش شیلی شد. آلوین از نیروها خواسته بود که به "فراخوان شادمانه" او پاسخ مثبت بدهند و در دهای مردم را درک بکنند.

گزارش دولت دمکرات مسیحی شیلی از طرف نیروهای سیاسی دیگر با شدت مورد حمله قرار گرفت و "ناقص" خوانده شد. حزب کمونیست شیلی از این که در گزارش به نقش پینوشه در کشتار و شکنجه کوچکترین اشارهای نشده است انتقاد کرده و خواهان برگزاری محاکمه علنی پینوشه شد.

پاتریسیو آلوین نخست وزیر شیلی دوشنبه هفته گذشته گزارش دولت پیرامون نقض حقوق بشر در دوره حکومت خونتادر شیلی را ارائه داد. در گزارش آلوین به ۲۲۷۹ مورد شکنجه و قتل توسط سازمان امنیت در رژیم پینوشه اشاره شده است. سرنوشت ۹۵۷ نفر مخالفین دولت نظامی که دستگیر و بعداً مقتول شده اند همچنان نامعلوم مانده و آلوین نیز در این مورد سکوت کرده است.

یک روز پس از ارائه گزارش آلوین وزیر تربیت دولت شیلی خواستار برکناری پینوشه از سمت



سازمان حقوق بین الملل : نقض بربر منشانه حقوق زنان

بر مه زنان فقط با خطر فعالیت مسالمت آمیز سیاسی روانه زندانها میگردند. زنان اهل موریانی توسط سربازان به قتل میرسند. در ترکیه دختران دانشجوی شکنجه میشوند. به زنان چه جوان باشند و چه مسن، زندانبانان تجاوز میکنند، زنان حامله کتک میخورند و از مادران، زنان شوهر دار و خواهران بعنوان گروگان برای پیدا کردن مرد خانواده سو استفاده میشود.

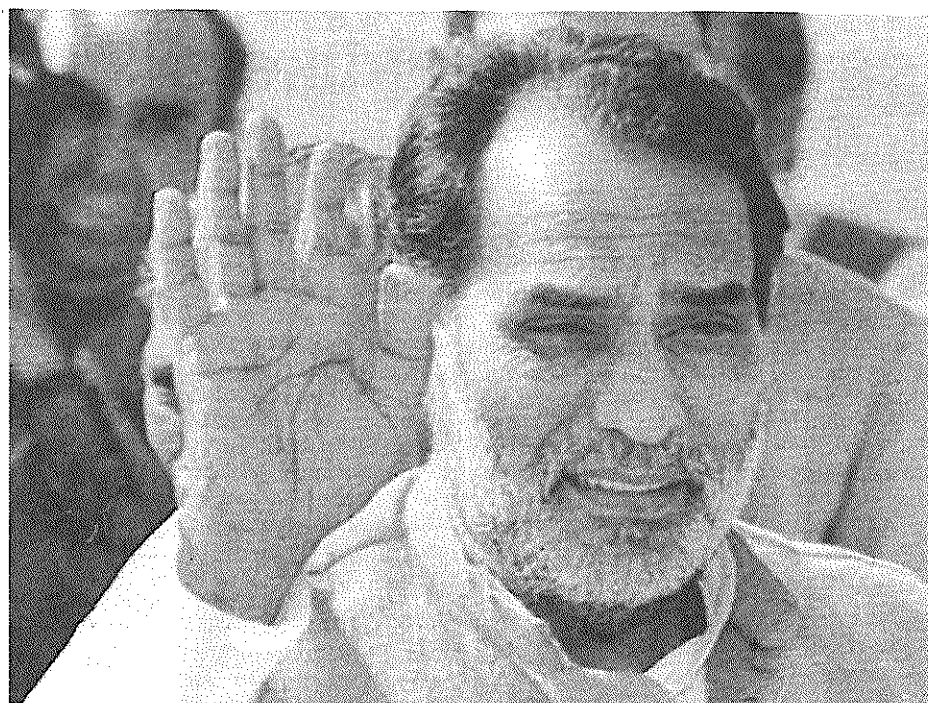
وضعیت اجتماعی اسفبار زنان در اکثر جوامع به گونه ایست که تجاوز کردن به زنان از سویی بعنوان "مناسبتترین" روش شکنجه و از سویی دیگر بعنوان بی سروصدا ترین روش انتخاب شده است.

به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، سازمان حقوق بین الملل یک گزارش ۵۲ صفحه ای پیرامون وضعیت زنان منتشر کرد. این گزارش به کمیسیون زنان سازمان ملل متحد که در وین تشکیل جلسه داده است نیز تحویل داده شد.

در بیش از ۴۰ کشور در مناطق مختلف جهان حقوق زنان بشدت لگدمال میشود. به قربانیان کودکان خردسال، دختران جوان و زنان حامله نیز باید اضافه بشود. زنان دستگیر، شکنجه و اعدام میشوند. هیچگونه امکان حفاظتی برای آنان وجود ندارد. غالباً زنان بخاطر جنس و نقش که در خانواده و اجتماع دارند، تحت تعقیب قرار میگیرند. در چین و

تظاهر کنندگان فریاد می زنند :
"بوش راه پای میز محکمه بین المللی بکشاید". یکی از آنان می گوید در چارچوب حقوق قضایی آمریکا نیز بوش مستوجب مرگ است.

جمعیت از خود بیخود شده است. خشم مردم برای اولین بار گریبان خبرنگاران را نیز می گیرد. بمباران پناهگاه العاصیه می تواند تاثیری مانند بمباران می لای در ویتنام داشته باشد.



چاندرا شکار نخست وزیر دولت اقلیت هند پس از چهار ماه زمامداری بخاطر بروز اختلاف با حزب کنگره تشکیل دولت بدهد.

از کریستف ماریانو در، خبرنگار کانال یک تلویزیون آلمان (ترجمه از اسپیکل)

"بوش را به محاکمه بکشاید!"

محملاً اعتماد کور به هدایت جنگ الکترونیکی خود شان سبب این تراژدی است. ما گسترده ای با عافاجعه رادر صبح روز بعد مشاهده میکنیم. از دهام انسانها با فریادشان بوش را مسئول این قتل عام می خواند. مرد جوانی که برادر خود را در پناهگاه از دست داده است سوگند انتقام می خورد و می گوید در صورت ضرورت سالها مترصد چنین فرصتی خواهد بود.

از درون پناهگاه دود فلیطی به بیرون راه باز میکند. شش ساعت پس از بمباران آتش هنوز در پناهگاه می سوزد. امدادگران دراز کش اجساد ذفال شده را بیرون می آورند. امدادگران می گویند که خیلی هنوز در زیر آوارند و آمیدی نیز برای نجاتشان نیست.

فقط پانزده نفر جان سالم از زیر آوارها بدر می برند. یکی از آنان هم همدان است. او میگوید پدر، مادر و سه خواهر کوچک او در حملات هوایی به قتل رسیده اند. او می گوید: "من خواب بودم. یکدفعه گرما را احساس کردم. فکر کردم دارم خفه می شم. خودم را چرخاندم که مادر مو بقل کنم، ولی فقط یک گوشت خونین لمس کردم."

پنج شبیه صبح تظاهراتی در بغداد برگزار می شود. ماشین ها حامل تابوت های بی شمارند.

موقعیت روحی خلقی دیگر. من هیچوقت آن افسر آمریکایی را که در تظاهرات ضد آمریکایی جلوی سفارت آمریکا در سایگون فراموش نخواهم کرد که هاج و واج از من پرسید: "چرا اینها ضد آمریکایی هستند؟ ما فقط برای آنها آزادی خواهیم آورد."

هراق و ویتنام با هم تفاوت دارند، معذالک موارد مشابه نیز جلب توجه می کنند. دوباره برای آمریکایی ها قابل تصور نیست که چگونه یک خلق که علیه آن اعلان جنگ داده اند، درک نمی کنند که آمریکایی ها خوبی آنان را می خواهند. آمریکاییها نمی فهمند که هراقیها منتظر آزاد شدنشان از شر صدام به وسیله آنها نیستند.

مادقیا اطلاع نداریم ولی شایعاتی نیز مبنی بر اشتباه اطلاعاتی نیروی هوایی آمریکا در مورد بمباران پناهگاه وجود دارد. اگر اینچنین باشد سازمان جاسوسی آمریکا در بغداد منابع اطلاعاتی خیلی بدی در اختیار دارد. در سقف پناهگاه، بر خلاف اخبار پیش شده، از رنگ استتاری استفاده نشده و صرفاً دارای رنگ تزیینی است.

یکبار صحبت از شانزده طبقه و بار دیگر صحبت از هشت طبقه زیر زمینی می شود. شاید طراحان نظامی آمریکا رنگ تزیینی را در تصاویر ماهواره های خود با رنگ استتاری هوشی گرفته اند.

منظره قابل رویت از پنجره هتل الرشید در بغداد، جایی که اکثر خبرنگاران خارجی در آن اقامت دارند، در شب یاد آور کریسمس در آلمان است.

"نورها" در آسمان به پرواز می آیند و به بامها منجر می شوند. آتشبار ضد هوایی با حداقل موفقیت سعی در سرنگون کردن شکاری بمب افکنهای آمریکایی دارد. در مقابل تگرگ بمبها دفاع ضد هوایی تقریباً بی اثر است.

چهار شبیه حدود ساعت چهار و سی دقیقه بمباراد، در فاصله پنج دقیقه دو بمب در محله العاصیه هراق به پناهگاهی اصابت میکنند. ابعاد حادثه وحشتناک است.

حدس زده میشود که این بزرگترین فاجعه این جنگ باشد. اینبار پناهگاهی غیر نظامی مورد هدف قرار گرفته که در زمان جنگ ایران و عراق بنا شده است.

ما اطراف پناهگاه را باز دید کردیم و بجز خانه های مسکونی و مغازه چیز دیگری ندیدیم. ساکنین محل به ما تضمین دادند که در سرتا سر محله العاصیه هیچگونه پایگاه نظامی وجود ندارد.

چرا آمریکاییها این کار را کردند؟ قطعاً تصادف نبوده است.

هر دو بمب وسط سقف پناهگاه را مورد هدف قرار داده بودند. اما قصد آمریکاییها از این اقدام چه بوده است؟

برای ما نگاران فقط دو احتمال قابل بررسی است. یا طراحان نظامی آمریکا میخواهند مردم عراق را مر هوب و وحشت زده کنند، یا صرفاً یک اشتباه اطلاعاتی رخ داده است.

اگر مورد اول صحیح باشد باید به صراحت گفت که سیاستمداران آمریکایی درک نکردند که نیروی نظامی خود را علیه چه کسانی به صف آرایی کشانده اند و تصور فلتی از جو عمومی در عراق دارند. خدا شاهد است که از ویتنام درسی نگرفته اند.

من در آخرین مرحله جنگ ویتنام حضور داشتم و جهالت آمریکاییها را از نزدیک تجربه کرده ام و بی استعدادی محض آمریکاییها در شناخت



برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «کار»	۲۱	۳۹	۱۱ مارک	۱۳ مارک
			۲۲	۲۴

بهای اشتراك	شش ماهه	یک ساله	اروپا	دیگر نقاط
نشریه «اکثریت»	۲۲	۳۹	۱۱ مارک	۱۳ مارک
			۲۲	۲۴

*درس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه برای مسلمانان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور	AKSARIYAT NO. 340 MONDAY 11. MAR. 1991
حساب بانکی M.A.B.D. NR. 35263011 37050198 Stadtparkasse K81 GERMANY	آدرس RUZDEM POSTFACH 1010 11000 AACHEN GERMANY